

تدارکات جنگی امریکا برای مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۳
دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۲ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

ضرورت تضمین قانونی آزادی فعالیت احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب

فتیه عالیقدر آیتالله منتظری،
ضمن یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه
اطلاعات (۲۵-۱۰-۵۹)، در پاسخ به
بقیه در صفحه ۲

تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم
امریکا برای استقرار سلطه جهانی
و ایفای نقش ژاندارمی در جهان
است، بر ساقیه نیست و سر توشت
همه آنها نیز بر همه معلوم است.
اما این اظهارات وزیر امور
خارجه جدید امریکا در مقطع
دیگری، یعنی بر زمینه تدارکات
جنگی گسترده امریکا در خلیج
فارس و اقیانوس هند، و توطئهها
و طرحهای مداخله نظامی مستقیم
آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی
ایران، بیشتر جلب توجه میکند.
اظهارات هیگ وزیر امور خارج
است که خطر مداخله نظامی
و حمله مسلحانه امریکا علیه
جمهوری اسلامی ایران همچنان
باقیست و برای اجرای چنین
مداخله‌ای، همه‌چیز و در مقیاس
وسیع تدارک دیده میشود. نظری
به اقدامات و فعالیتهای نظامی
آخر ایالات متحده امریکا در
بقیه در صفحه ۲

۱۹۷۸، از جانب کارتر رئیس-
جمهور ایالات متحده امریکا، به
عنوان «دکترین کارتر» مطرح
گردید.
محتوای «دکترین کارتر»
عبارت از آنستکه: ایالات متحده
امریکا مناطق وسیعی در قاره
های مختلف جهان را، که دارای
منابع مواد خام، بویژه منابع
نفت هستند، «حريم منافع حیاتی»
امریکا اعلام کرده و رسالت
دفاع از این مناطق و تامین دست-
یابی امریکا به این منابع را به
خود تخصیص میدهد و مداخله
نظامی در این مناطق را برای
تامین چنین دستیابی از وظایف
خود میدانند.
البته در تاریخ سیاست خارجی
امپریالیسم امریکا از اینگونه
«دکترین‌ها»، مانند «دکترین
مونرو»، «دکترین آیزنهاور» و
«دکترین تیکسون» که نشانه-
های روشن داعیه گستاخانه و

الکساندر هیگ وزیر
امور خارجه جدید کاخ
سفید، در جریان بررسی
مسئله انتصاب خود به این
مقام، در جلسه کمیسیون
امور خارجه مجلس سنای
امریکا، اظهار داشت:
«ایالات متحده امریکا
باید حضور نظامی خود در
منطقه خلیج فارس را
افزایش دهد».
وی گفت:
«امریکا باید آمادگی
داشته باشد که حتی به
تنهایی بدون شرکت متحدین
خود عمل کند و دسترسی
به منابع نفت در خلیج
فارس را، که برای امریکا
اهمیت حیاتی دارد، تامین
کند».
این اظهارات وزیر امور خارجه
جدید امریکا تایید و پیروی از
همان سیاستی است که در سال

جنگ میان رزمندگان انقلاب و تجاوزگران صدامی در جبهه‌های دزفول، اهواز، آبادان، شوش و دهلران ادامه دارد

رفقای توده‌ای در اردبیل آزاد شدند

رفقا فروغ‌الدین
ابراهیمی و روح‌انظری،
که چندی پیش، بدون
دلیل، در اردبیل بازداشت
شده بودند، آزاد شدند.
مانسن ابراز خوشحالی
از آزادی این رفقا،
امیدواریم که مقامات
مسئول با اتخاذ تدابیر
جدی از وقوع حوادثی
از این قبیل، که سلبامه
سود انقلاب نیست،
جلوگیری کنند.

اجرای آتش بر روی مواضع
دشمن متجاوز در اطراف سه راهی
آبادان - ماهشهر، چندین سنگر
گرومی و انفجاری، دستگاه
خودرو و یک انبار مهمات متجاوزان
عراقی را منهدم و تعدادی از افراد
آنان را کشته و زخمی کردند.
۴- روز گذشته شهر آبادان
متأویا زیر آتش توپخانه دشمن
قراز داشت، که در نتیجه به یک
بیمارستان خساراتی وارد آمد.
بقیه در صفحه ۷

هلاکت رسیدند.
۲- روز گذشته، قسمتی از
شهر قهرمان دزفول زیر آتش
توپخانه ارتش کفر قرار گرفت
و چند خانه مسکونی ویران شد.
در پاسخ این حمله ناجوانمردانه،
دلآوران ما با آتش خود یک
دستگاه تانک و یک عراده توپ
دشمن را نابود و حدود ۲۰ نفر از
ارتشیان صدام مزدور را هلاک
کردند.
۳- جانبازان ارتش اسلام با

سناک مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره
۳۷۷ خود، عملیات رزمندگان
انقلاب را طی روزهای ۲۶ و ۲۷
دیماه، چنین اعلام کرده:
۱- بر اثر اجرای آتش نیرو-
های مسلح جمهوری اسلامی
ایران بر مواضع دشمن در منطقه
اهواز یک دستگاه تانک، یک
دستگاه نفربر زرهی و ۲ دستگاه
خودرو دشمن منهدم شد و حدود
۱۰ نفر از افراد ارتش عراق به

پیام تسلیت

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان - به مناسبت شهادت بیش از ۶۰ تن از پاسداران انقلاب اسلامی ایران

حماسه غرور آفرین مردم انقلابی ایران، همبستگی
عظیم تاریخی آنان، دلآویزهای نیروهای مسلح، بسیج
مردمی و سپاه پاسداران انقلاب و یابرداری قهرمانانه
شهرهای پرافتخار خطوط مقدم جبهه - خونین شهر،
آبادان، اهواز، دزفول، سوسنگرد، هویزه - تهاجم
نظامی داور دسته تبهکار صدام را با شکست مواجه
ساخته است.
بقیه در صفحه ۷

مناسبات ما با سایر کشورها بر چه پایه باید استوار باشد؟

صفحه ۶

خطری که از درون انقلاب را تهدید می کند

«انجام وظیفه! مشغول نیستند؟
این هر دو مسئله، تا آنجا
برای حفظ، تحکیم و گسترش
انقلاب اساسی است، که بی توجهی
نسبت بدان میتواند انقلاب را با
بقیه در صفحه ۷

دوم آنکه: آیا بازداشت حمید
جرایدی و محاکمه او می تواند
این اطمینان را پدید آورد که
حمید جرایدی‌های دیگری در
مقامات دولتی و غیر دولتی انقلاب
رخنه نکرده‌اند و هم‌اکنون به

محاکمه حمید جرایدی،
جاسوس آمریکائی، که در دوران
پس از بیروزی انقلاب توانسته
است، بر صندلی معاونت وزارت
اقتصاد و دارائی تکیه زند، به
پایان رسید. جریان محاکمه‌اره،
که در روزنامه‌ها انتشار یافت،
بروشنی نشان داد که این جاسوس
سرسبز امپریالیسم امریکا
چگونه به مبین انقلابی خودپشت
کرده و اطلاعاتی را، که به علت
منصب حساس دولتی خویش به-
دست می آورده، در ازاء دریافت
دستمزد، به جاسوسان فسیا
تحویل میداده است، تا آن فر-
مایکان از این اطلاعات برای
تدوین نقشه‌های شوم خود علیه
انقلاب ایران بهره‌برداری کنند.
در اینجا دو مسئله جدی و
اساسی وجود دارد:
نخست آنکه: سازمان جاسوسی
امریکا بوسیله چه کسانی
توانسته مبره‌های خود را در
مقامات حساس جای دهد؟

در مقابله با تهاجم امپریالیسم آمریکا، خلق السالوادور قهر مانانده می رزمند

گزارش‌های رسیده از السالوادور حاکی از
آنست که مردم این کشور تهاجمی همه‌جانبه راه
برهبری «جبهه آزادی‌بخش ملی - فارابوندومارتی»،
برای سرنگونی رژیم وابسته و چنانیکار السالوادور
آغاز کرده‌اند.
خوتای کنونی السالوادور، که در ۲۳ مهر
ماه ۱۳۵۸ جانشین ژنرال دیکتاتور، کارلوس
هومبر تو رومرو، شد، برغم لیرال‌نمای‌های نخستین،
درواقع، تامین ادامه سیادت چپالوگرانه ایالات
بقیه در صفحه ۲

چرا حقایق را واژگونه جلوه می دهند؟

آیت الله طالقانی:

«در منزل آیت‌الله بیبهانی که از علماء درباری
بود، تنی چند از نویسندگان هم نشسته بودند که به
آنها محرر می گفتند. در منزل ایشان (آیت‌الله بیبهانی)
عده‌ای دیگر هم نشسته بودند. زمان قبل از ۲۸ مرداد
بود. نویسندگان با جوهر قرمز به امضای جمعی حزب
توده ایران، برای علماء و ائمه جماعت سراسر ایران
با پست نامه نوشتند که محتوی آن این بود که «ما
برودی شما را با شالهای سرکان بالای تیرهای چراغ
برق به دار خواهیم زد. امضاء حزب توده». آنها آن
مطالب را از منزل آقای بیبهانی می نوشتند و می-
فرستادند»
(بخش اول از فصل سوم کتاب طالقانی و تاریخ)
مهندس عزت‌الله سجایی:
«حزب توده... مذهبا مورد اهانت قرار میداد»
(اطلاعات، ویژه نامه به مناسبت شهادت نواب
صفوی، مصاحبه با مهندس سجایی، ۲۷ دیماه ۵۹)
بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ضرورت تضمین...

بقیه از صفحه ۱

پرسشی منبر «حدود آزادی احزاب و گروهها» گفت:

«اگر بخواهند تبلیغات علیه اسلام کنند، درست نیست آزاد باشند، ولی اگر نخواهند علیه اسلام تبلیغات کنند، انسان نباید به آنها کار داشته باشد و اصلا بطور کلی من عقیده ام اینست که گروهها را سر به سر نباید گذاشت. نیت زدن و زوری که آنها را تحریک کنیم و شعار علیه آنها دادن (درست نیست)... بنابراین برخورد ما با گروهها بایستی خصمانه و با جنگ و ستیز باشد... پورش و برخوردش... با آنها درست نیست، کار باید، کار انقلاب باشد.»

این بیان درست آیت الله منتظری درباره آزادی احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب بویژه در روزهایی که «لایحه احزاب و گروهها» در مجلس شورای اسلامی مطرح است، اهمیت ویژه ای کسب میکند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی فعالیت احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب را تضمین کرده است. اما متأسفانه در دو سال پس از انقلاب، برخی گروههای خودرو و یا «اشخاص متفرقه»، قانون

اساسی را نادیده گرفته و به ابتکار خود، با چوب و چماق و دشنه و چاقو به دفتر این یا آن حزب، این یا آن سازمان و گروه سیاسی حمله برده، به تخریب ساختمان و غارت اموال و اشغال محل اقدام کرده اند، بی آنکه در برابر هیچ مرجع قانونی پاسخگویی اعمال خلاف خود باشند. نمونه آن اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در تهران و برخی شهرستانهاست که از سوی «اشخاص متفرقه» انجام شد و علیرغم تقبیح این عمل از جانب مقامات درجه اول جمهوری اسلامی ایران، از جمله رئیس جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، امام جمعه تهران و ... و علیرغم مراجعات و دوندگیهای چندین ماهه، هنوز خانه حزب توده ایران در تهران و برخی از شهرها به ما مسترد نگشته است.

آری، این حرف درستی است که نباید با احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب برخورد خصمانه و سرچنگ و ستیز داشت. انقلاب ایران که یکی از وجوه اساسی آن، تأمین آزادی و دموکراسی است، بهر حزب و سازمان و گروه سیاسی وفادار به انقلاب، حق میدهد که در چارچوب مقتضات سیاسی خود و موازین قانونی کشور فعالیت کند. حال اگر قرار باشد که

این وجه مهم از انقلاب ایران هر روز وسیله این یا آن گروهک چاقودار، یا بوسیله «اشخاص متفرقه» نادیده گرفته شود و به صرف تشخیص ناقص عقل نارسا و بدتر از آن، تحریک دشمنان انقلاب، کسانی به مراکز احزاب و سازمانها و گروهها حمله برند و مسئله آزادی فعالیت سیاسی را خدشه دار نمایند، میتوان با اطمینان گفت که چنین افراد و چنین گروههایی، آگاهانه یا ناآگاهانه، در خدمت دشمنان انقلاب هستند و خواسته یا ناخواسته، جوهر و مرجع و آشوب و اغتشاش ایجاد میکنند و مانع از آن میشوند که انقلاب در پناه آرامش ناشی از اجرای موازین قانونی، به کار نوسازی جامعه پردازد. بدیهی است که آزادی فعالیت برای احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی به آن معنا نیست که هر گروهک ضدانقلابی اجازه داشته باشد که برای جلوگیری از تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب به فعالیت مخرب خود ادامه دهد و متوقع آن باشد که قانون مانع از فعالیت آن نشود. ولی تازه در چنین موارد و درباره چنین گروهها نیز قانون باید عمل کند و نه «اشخاص متفرقه»، زیرا در صورت دوم، کشور به هر چه مرجع و بی نظمی خواهد کشید و رودرروپها فزونی خواهد یافت و سرانجام آنکه سود میبرد، باز ضد انقلاب است.

در جمهوری اسلامی ایران احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی که به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران وفادارند و قانون اساسی جمهوری اسلامی را پذیرفته اند، می توانند و باید در کنار هم فعالیت کنند و در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرگردگی آمریکا - دشمن اصلی - و نوسازی مبین انقلابی در یک راستا و هماهنگ اقدام نمایند. تنها در چنین صورتی است که هم راه بر انحصارطلبیها بسته خواهد شد و هم بیروزی بر دشمن اصلی و شالوده ریزی و نوسازی جامعه ای که محرومان و مستضعفان در آن حاکم بر سرنوشت خویش باشند، تسهیل خواهد گردید.

نباید به هیچ گروه و هیچ مقامی اجازه داد که قانون را نادیده بگیرد و سلیقه ها و خوش آمدن ها و بد آمدن های خویش را بر جامعه حاکم سازد. نباید هیچ گروهی و هیچ مقامی حق داشته باشد که اختلاف در مواضع سیاسی و ایدئولوژیک را به چماق تبدیل کند و بر سر دیگران بکوبد. نباید هیچ گروه و هیچ مقامی اجازه داد که اختلاف در «مسئله» را وسیله سرکوب سایرین قرار دهد.

در مبین انقلابی ما، مکاتب گوناگون و ایدئولوژیهای گوناگون، بشرط آنکه

وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشند، میتوانند بنحویه مسالمت آمیز در کنار یکدیگر بسر برند و برای اهداف عمده انقلاب، که اهداف اسلام راستین انقلابی نیز هست دوش بندوش هم مبارزه کنند. در جامعه کتونی ایران مبارزه علیه امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا و مبارزه در راه اهداف مردمی انقلاب، یعنی تأمین آزادیها و حقوق دمکراتیک زحمتکشان، اهداف عمده اند و تمام احزاب و سازمانهایی که برای تحقق این دو هدف عمده کوشا هستند، باید فعالیت قانونیشان تضمین گردد.

مصلحت انقلاب حکم میکند که نه یک دست، بلکه همه دستهای حمایتگر، انقلاب را در پناه خود گیرند؛ نه یک حزب و گروه سیاسی، بلکه همه احزاب و گروههای سیاسی که وفادار به انقلاب اند، تمام استعدادها و خلافت خود را برای رساندن انقلاب بسر منزل مقصود بکار اندازند. با تضمین قانونی آزادی فعالیت احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و احترام از «بسر خوردن خصمانه» و «جنگ و ستیز» باید امکان داد که در راه پیشبرد انقلاب، همه استعدادها شکوفان و همه دستها امکان عمل یابند. انقلاب چنین میخواهد.

تدارکات جنگی...

بقیه از صفحه ۱

منطقه خلیج فارس و اظهارات مقامات رسمی آمریکا، که با تهدیدهای آشکار و صریح آنان علیه ایران همراه است، واقعیت چنین خطری را آشکار میسازد. طبق گزارش خبرگزاری «آسوشیتدپرس»، فرانکس، سخنگوی رسمی و مشاور ریگان، رئیس جمهور منتخب آمریکا، اظهار داشت:

«ریگان بلافاصله پس از اشغال مقام ریاست جمهوری باید به ایران اولتیماتوم بدهد و از ایران بخواهد که گروهگان را در ظرف پنج روز آزاد کند، در غیر این صورت ما پس از بحث و مذاکره در کنگره به ایران اعلان جنگ می دهیم.»

در همین اظهارات برنامه مرحله به مرحله مبارزان منابع و مناطق مختلف ایران و سرانجام هجوم نیروهای مسلح آمریکا به ایران تصریح شده است.

به موازات اینگونه اظهارات تهدیدآمیز مقامات رسمی، رسانه های گروهی آمریکا با تبلیغات گسترده افکار عمومی، مردم آمریکا را برای جنگ علیه ایران آماده میکنند.

دوشنبه ۱۶ دیماه ۵۹، شبکه های تلویزیونی آمریکا فیلمی از تمرینهای واحدهای نظامی آمریکا، که با استفاده از جنگ افزارها و وسائل مختلف و تکنیک جنگی در شرایط صحرائی ایسلاند آریزونا، کلرادو، نیومکزیکو، نوادا و کالیفرنیا - یعنی نزدیک به شرایط ایران - انجام می گیرد، به نمایش گذاردند: در این فیلم شیوه های گوناگون عبور از مرز ایران و پیاده کردن نیرو با هلیکوپترهای سنگین در سواحل مکزیکو، که شباهت زیادی به سواحل خلیج فارس دارد، نشان داده شد.

از چند ماه پیش واحدهایی از نیروهای مسلح آمریکا به مصر انتقال داده شده، که مشغول آموزشهای رزمی برای پیادشدن در سواحل ایران هستند. طبق

گزارش روزنامه «شرق الوسطه»، چاپ عربستان سعودی، در روزهای اخیر بر تعداد سربازان آمریکائی در مصر افزوده شده است. در این گزارش آمده است که، وزارت دفاع آمریکا نیروهای آمریکائی را، که برای عملیات جنگی علیه ایران تعیین شده اند، در شرایط فوق العاده محرمانه در خاک مصر آماده میکند. در میدانهای تیراندازی های نظامی مصر متجاوز از دو هزار سرباز و افسر آمریکائی مشغول تمرینهای تیراندازی هستند.

طبق اخباری که اخیراً در مطبوعات آمریکا انتشار یافت، تیب هتم تفنگداران دریایی آمریکا، که پس از شکست آمریکا در ویتنام منحل شده بود، از نو تشکیل شده است. افراد این تیب که مرکب از ۱۲ هزار افسر و درجه دار و سرباز است، اکنون در مناطق مشابه با منطقه خلیج فارس، در آمریکا آموزش جنگی می بینند. علاوه بر این، اخیراً سه ناو جنگی آمریکائی که ۱۸۰۰ افسر و سرباز سرنشین دارند، از دریای جنوب چین رهسپار اقیانوس هند شده اند، تا به نوار گروههای آمریکائی در این منطقه بپیوندند. در حال حاضر ۳۴ فروند ناو جنگی در آبهای خلیج فارس و آبهای مجاور آن استقرار یافته اند. برابری گرازی دیگر، هفت ناو جنگی از «رده احتیاط خط مقدم»، که ماموریت دارند یگانهای تفنگداران دریایی آمریکا را از لحاظ اسلحه و مهمات و دیگر وسایل جنگی در طول چند هفته تأمین کنند، در اقیانوس هند مستقر شده اند.

از سوی دیگر، مطبوعات آمریکا از روی طرحهای گوناگون مداخله نظامی آمریکا علیه ایران برده بر میدارند. روزنامه «نیویورک تایمز» در این باره مینویسد:

«بنتاغون در نظر دارد به تهران و اصفهان ضربه هوایی بزند، زیرا یگانهای نظامی مستقر در منطقه این دو شهر به علت امریت مهم و حیاتی.

در مقابله با تهاجم امپریالیسم آمریکا، خلق السالوادور...

بقیه از صفحه ۱

متحد آمریکا را بعهده داشت. در پیش از یکسال که از فرمانروایی این خوتتای وابسته و خونخوار میگزرده، رژیم نامبرده ره آوردی جز فلاکت و اختناق بیسابقه برای مردم السالوادور نداشته است. از اینروست که خلق السالوادور، متحد و رزمجو، اینک بیا خاسته است تا بساط ستم و جنایت خوتتا را برچیند و خویشتن را برای همیشه از داروسته فرمانروا و وابسته به امپریالیسم آمریکا نجات بخشد.

دولت ایالات متحده آمریکا نیز که موجودیت خوتتای سرسپرده و چشم انداز غارتگری خود را در خطر می بیند، مانند همه جا و همه وقت، که خلتی دیارای مقابله با سلطه شوم امپریالیسم آمریکا و نوگرانش را نشان دهد، به راهم افتاده است و سیل تسلیحات و کارشناسان خود را به السالوادور تشدید کرده است.

«دکمه های پنتاگون» به خوتتای السالوادور چیز جدیدی نیست. آمریکا مدتهاست که نه تنها میلیونها دلار به رژیم دیکتاتوری اعتبار و اسلحه میدهد، بلکه صدها کارشناس نظامی و دهها جاسوس «سیاه» را به السالوادور گسیل میداشته است، که در «بیکرد شورشیان» شرکت مستقیم داشته اند. آنچه «تازه» است، ابعادی است که این «دکمه های شتابزده» پیوسته در روزهای پیش بخود گرفته است و از احتمال ماجراجویی دیگر در این کشور آمریکای مرکزی سخن میگوید. تنها در روزهای اخیر دهها کارشناس نظامی آمریکا وارد السالوادور شده اند تا جنایات هولناک رژیم را علیه خلق رهبری کنند. از جمله این جنایات، بمبهای ناپالم و سلاحهای شیمیایی است، که در مناطق آزاد شده، علیه مردم بکار میرود.

بگزارشی دیگر، تفنگداران دریایی آمریکا در پورتوریکو اینک به تمرین عملیات مداخله مسلحانه مشغولند. اکنون ناوگروه دریایی آمریکا، مرکب از ۸ ناو جنگی در امتداد سواحل السالوادور گشت میزند و یگانهای تفنگداران دریایی آمریکا در این منطقه به حالت آماده باش درآمده اند.

رسانه های گروهی ایالات متحده بمرده از آن سخن میگویند که دولت آمریکا قصد دارد برای نخستین بار پس از جنگ ویتنام، از نیروهای مسلح آمریکا در السالوادور استفاده کند.

چند روز پیش، کارلوس قورس، یکی از فرماندهان «رهبری متحد انقلابی» (درو) در مصاحبه ای با یکی از روزنامه های مکزیک، گفت:

«کارشناسان نظامی آمریکا در السالوادور از همان تاکنیکهایی استفاده میکنند، که زمانی در ویتنام بکار میگرفتند. آنها روستائیان یگانه را با هلیکوپتر و هواپیمای زیر آتش میگیرند و

با این عملیات وحشیانه تاکنون موجب آوارگی دهها هزار نفر شده اند.

کارشناسان نظامی آمریکا همچنین یار دیگر به استفاده از تاکنیک «زمین های سوخته» جنگ ویتنام دست زده اند.

امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب السالوادور، به «دکمه» مستقیم به خوتتای حاکم آکتفا نمیرود، بلکه همه رژیم های مرتجع منطقه را علیه انقلابیون السالوادور بسیج کرده است. هم اکنون چندین گردان از سپاهین رژیم های ارتجاعی و دست نشانده هندوراس و گواتمالا به دستور پنتاگون، به السالوادور اعزام شده اند و زیر رهبری فرماندهان آمریکایی و دوش بندوش درخیمان خوتتا به کشتار خلق بیگناه السالوادور مشغول هستند. «سیاه» همچنین پارامی از مزدوران ضدانقلابی و فراری کوبا و نیکاراگوئه را به یاری آدمکشان خوتتای السالوادور فرستاده است.

امپریالیسم آمریکا برای توجیه مداخلات خود و سرسپردگان و مزدوران خویش در منطقه، از سوی، یار دیگر گستاخانه از «حریم منافع حیاتی» خود دم میزند و، از سوی دیگر، دوباره سلاح زنگزده «خطر کمونیسم» را به میدان می آورد. امپریالیسم خبری چند روز است که درباره باصلاح «مداخله» کوبا و نیکاراگوئه در امور السالوادور هرزه میفازد. در یادداشتی که وزارت امور خارجه نیکاراگوئه برای دولت ایالات متحده فرستاده است، از این توطئه ناپاکارانه پرده برداشته میشود. این یادداشت بدستی خاطر نشان میسازد که:

«مقصود از چنین دعای، همراه ساختن مردم ایالات متحده و خلق های سراسر جهان از این واقعیت است، که مردم السالوادور برای سرنگونی رژیم تروریست (آن کشور) بیا خاسته اند»

ماجراجویان واشنگتن با «دکمه» همه جانبه خود به رژیم السالوادور، از یکسو برای نجات رژیم دست نشانده خود تلاش میروند و، از سوی دیگر، در راه پیشبرد هدفهای استراتژیک خویش در آمریکای لاتین و مرکزی میکوشند. این هدفها بویژه تلاش برای براندازی رژیم های انقلابی کوبا و نیکاراگوئه، ارباب دیگر جنبش های انقلابی و خلق های بیخاسته منطقه و تحکیم سیادت هستی، خویش در آمریکای لاتین و مرکزی و کارائیب است.

اما خلق های این منطقه، چنانکه نمونه قهرمانانه السالوادور اینک به خوبی نشان میدهد، بیش از پیش عزم راسخ دارند که به سلطه غارتگرانه و سرکوب آمیز امپریالیسم آمریکا و رژیم های وابسته به آن پایان بخشند و در راه استقلال راستین و پیشرفت اجتماعی گام بردارند.

مجمع الجزایر «سی شل» «بهشت روی زمین» آزاد شد

موقعیت کلی جزایر سی شل

مجمع الجزایر سی شل، که از نظر زیبایی فوق العاده طبیعت، به «بهشت روی زمین» معروف شده است، از ۹۲ جزیره کوچک و بزرگ، با جمعیتی حدود ۷۰ هزار نفر تشکیل شده است. این جزایر، با مساحتی حدود یک میلیون کیلومتر مربع، در شرق آفریقا، در اقیانوس هند واقع شده اند و دارای آب و هوای معتدلی هستند. به طوری که دمای هوا در تابستان از ۳۰ درجه بالاتر نمی رود و در زمستان از ۲۵ درجه پایین تر نمی آید. تنها شهر بزرگ این جزایر، «ماه» نام دارد که چهارینجم جمعیت مجمع الجزایر را در خود متمرکز کرده است.

تضاد در رهبری مجمع الجزایر سی شل

حدود ۱۵۰ سال پیش، استعمارگران انگلیسی، به دنبال همپالکی - های فرانسوی خود، وارد این جزایر شدند، تا کبش طمع خود را از کار و زحمت و منابع مردم این سرزمین



این کودکان که برای نخستین بار به روی نیمکت مدرسه نشستند و به رایگان تحصیل می کنند، سازندگان آینده جمهوری «سی شل» اند.

زیبا و غنی بزرگ کنند. در آخرین سالهای تسلط استعمارگران انگلیسی، امور مملکتی در دست دو حزب اصلی بود: یکی حزب متحد خلق سی شل که در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳) و توسط «فرانس آلبر رنه» بنیان گذاری شد دیگری «حزب دمکراتیک سی شل». هدف «حزب متحد خلق سی شل»، که در کنگره سال ۱۹۷۰ تصریح شد، طرد کامل استعمار و پیاده کردن نظام سوسیالیستی در درازمدت بود. در حالی که حزب دمکراتیک سی شل هدفی جز دفاع از منافع بزرگ مالکان و بورژوازی سی شل نداشت. حزب اخیر همچنین طرح ادغام این مجمع الجزایر را در «کشورهای مشترک المنافع بریتانیا» دنبال می کرد و به همین جهت نیز از پشتیبانی سیاسی و مالی وسیع امپریالیزم انگلستان برخوردار بود. ولی چون این حزب نمیتوانست صریحا شعار «نفی استقلال» و تأیید «وابستگی» را سر دهد، بالاخره پس از تردید بسیار، مسئله «استقلال» را در برنامه خود گنجانید.

در زوئن سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳).

سرود ملی جمهوری سی شل میگوید: «ما هرگز از مبارزه دست نخواهیم کشید. تساوی برای همه، آزادی برای همیشه».

کشورهای سوسیالیستی برای خلق سی شل متحدین واقعی و مطمئن هستند.

رهبر «حزب دمکراتیک سی شل» مانشام، به ریاست جمهوری انتخاب شد و در همان حال فرانس آلبر رنه به نخست وزیر برگزیده شد. مانشام، گرچه به ظاهر از حقوق خلق دفاع می کرد و شعارهای خلقی بر زبان می راند، ولی در عمل رشتن های پیوند خود با بریتانیا را تحکیم بخشید و با جدیت طرح الحاق جزایر زیبای سی شل را به بریتانیا دنبال می کرد. وی تصمیم داشت که این جزایر را به بهشت سرمایه داران و میلیونرهای غربی تبدیل کند. او نام جزایر را «عشق و آزادی بدون محدودیت» گذاشته بود، که در آن کاربنوهای برای خرج کردن پول سلاطین سیم و زر و میلیونرهای غربی وجود داشته باشد تا از این راه کبش بزرگ مالکان و صاحبان هتلها پر نمایندگانش فقط از اعضای «جبهه» انتخاب می شوند.

تلاش ارتجاع

نبروهای ارتجاعی این بار با دادن وعده های عوام فریبانه، به متشنج کردن جو مدارس پرداختند و دانشجویان و جوانان را به خیابانها کشاندند. یک هفته تمام مدارس تعطیل شدند و مغازه ها بستند. زندگی بطور کلی فلج شد. سازماندهی مجدد سیستم آموزش کشور، این میراث استعمار، در مرکز این درگیریها و ها و عمده ترین بهانه ارتجاع برای مقاومت در برابر اصلاحات گسترده و بنیادی اجتماعی - اقتصادی بود. در سیستم آموزشی استعماری، نقشی دختران، آموزش «آداب معاشرت خوب» بود که، با کمک آن، بتوانند بعدها در انگلستان، یا آفریقای جنوبی، یا در کشورهای اروپای غربی، به عنوان خدمتکار غلظی بیایند. به پسران نیز اصول خدمت به توریستهای پولدار آموخته می شد. واضح بود که این سیستم آموزشی به هیچ وجه درخور رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و نیاز شدید به متخصصین داخلی، نبود. آموزگاران که توسط استعمارگران، اغلب از میان مرفه ترین قشرهای جامعه استخدام می شدند، با نظری فوق العاده ناخوشایند و انتقاد آمیز به دگرگونیهای پیشینهادی «جبهه» مینگریستند.

«جبهه» در زمینه آموزش، یک برنامه ده ساله را تدوین کرد. هدف اصلی این برنامه این بود که جوانان ۹ سال آموزش رایگان و سپس یک سال دوره کارآموزی برای تکمیل معلومات عمومی و انتخاب یکی از شغل های مورد نیاز جامعه، از قبیل ماهی گیری، آماده کردن نازکیل، دام پروری، جنگلداری و... را بگذرانند و سپس یا به تحصیل خود ادامه دهند و یا در تخصص خود مشغول کار شوند.

این برنامه به طور ناگهانی ابداع نشده بود. «حزب» از همان موقع که در ایوژیون قرار داشت، نیاز به دمکراتیزه کردن نظام آموزشی را به طور مرتب متذکر میشد. «حزب» یک سال پیش از به دست گرفتن قدرت چنین تصریح میکرد: «کودکان و نوجوانان باید نقش آینده خود را در جامعه سوسیالیستی بشناسند. آنان نباید فقط راه در آوردن پول و یا چگونگی شرکت در مسابقه دیوانهوار استثمار و مال پرستی را بیاموزند».

و دقیقا همین سمت گیری دمکراتیک بود که واکنش ارتجاع را در این زمینه نیز برمی انگیزد. از همان ابتدا مشخص بود که فقط مساله آموزش

دانستیهای درباره جزایر سی شل

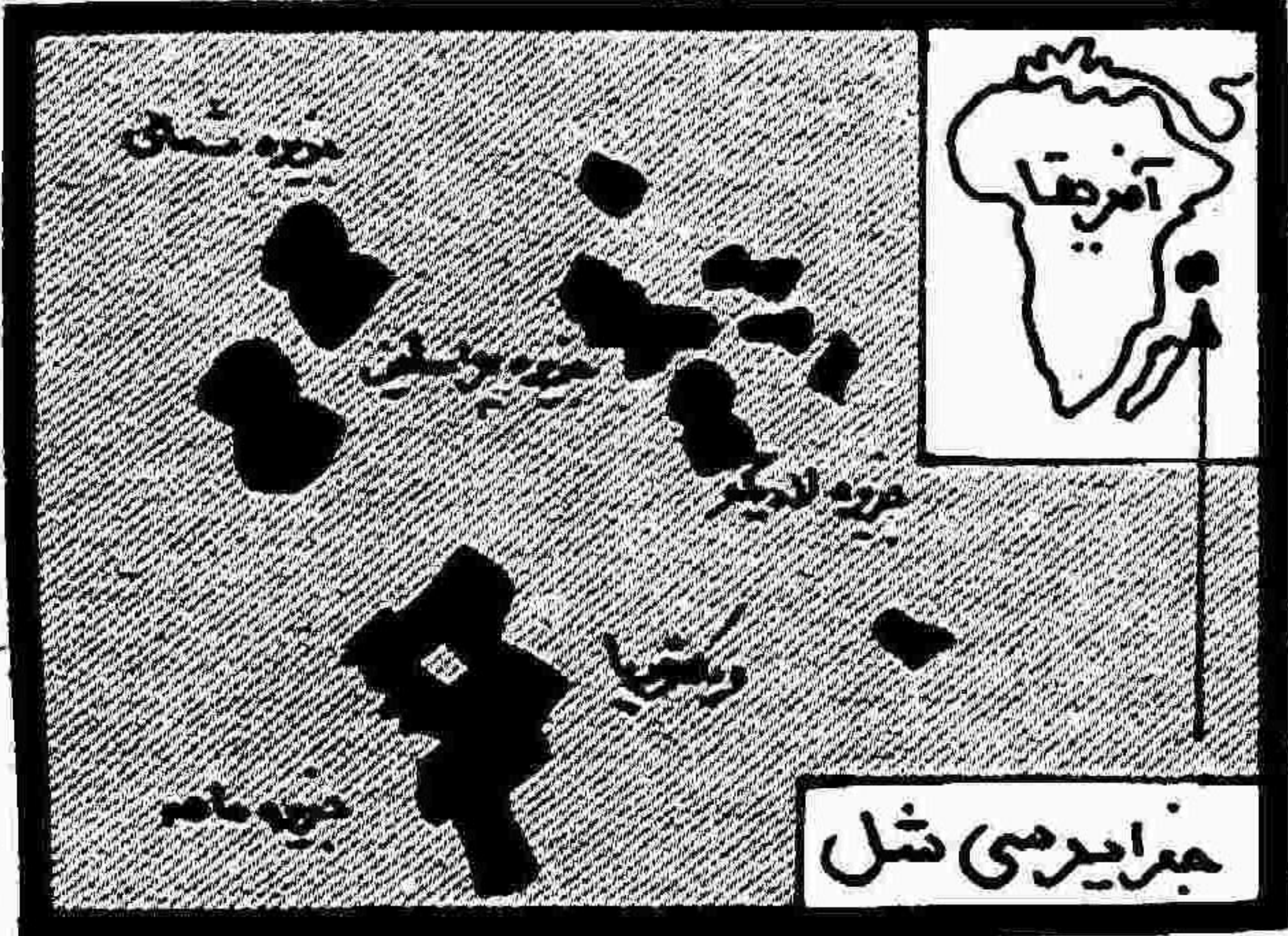
نام: جمهوری جزایر سی شل

مساحت: ۴۰۵ کیلومتر مربع، معادل ۱/۴ مساحت ایران
۴۰۵۹

جمعیت: ۷۰ هزار نفر

پایتخت: ویکتوریا یا ۱۵ هزار نفر جمعیت

زبان: انگلیسی و محلی



را سرکوب کرد و عده ای از آنان را به زندان افکند. دو روز پس از این وقایع، جزایر سی شل دوباره روی آرایش را به خود دید.

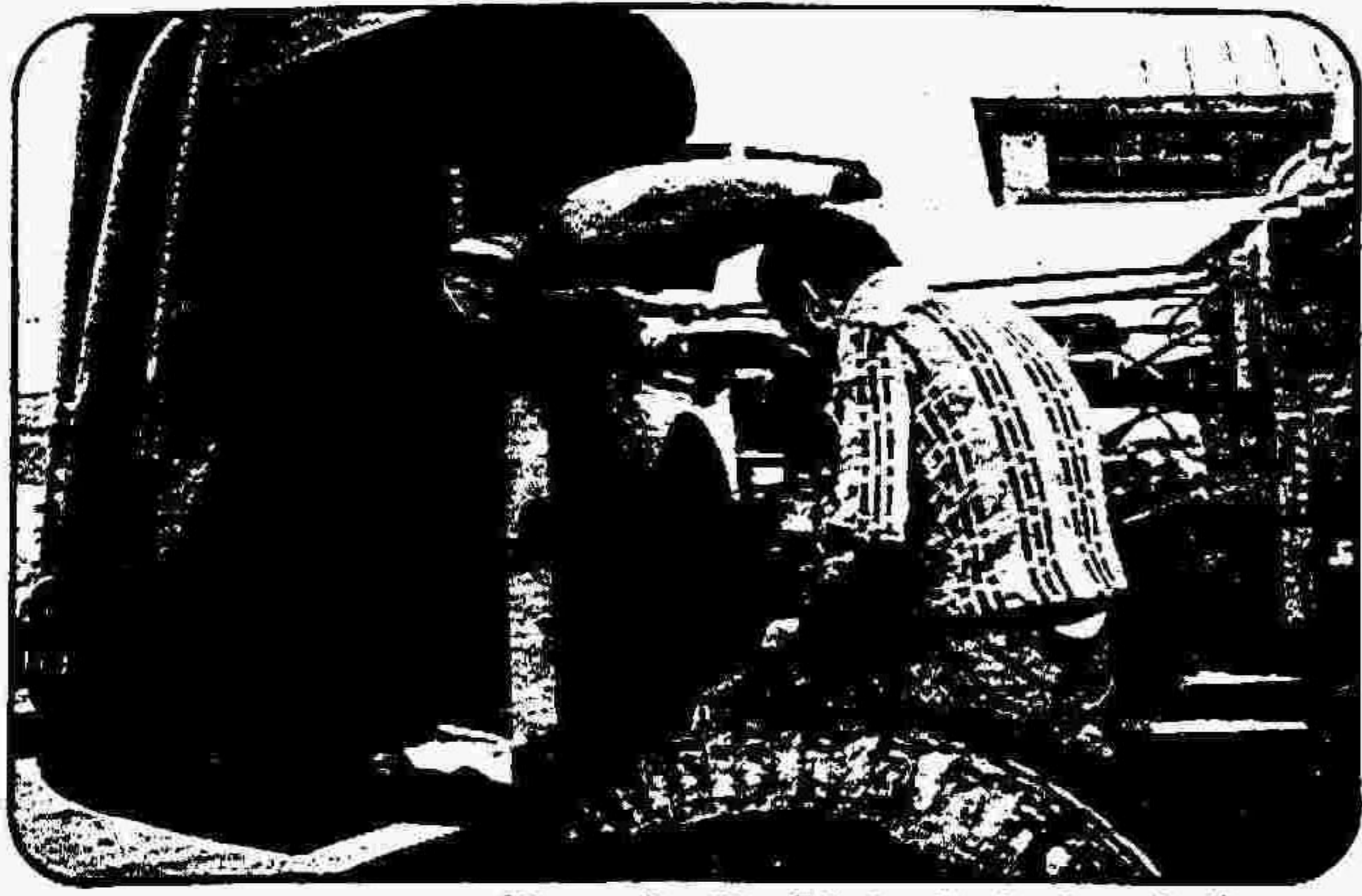
پس از این وقایع، مردم سی شل به بحث و تبادل افکار در مورد این حوادث، ریشه آن و مسبب اصلیش پرداختند. نتیجه این بحث و تبادل نظر، بخصوص با توجه به خصوصیت زندگی در این مجمع الجزایر، که همانا شناخت دقیق افراد از وضع زندگی و مواضع یکدیگر است، بیشتر جلب توجه می کند. به دنبال همین بحثها بود که مردم سی شل دست به بزرگترین راهپیمایی تاریخ این کشور زدند. در این راهپیمایی، اکثریت مردم مجمع الجزایر، که از نقاط مختلف به پایتخت آمده بودند، شرکت داشتند. در این تظاهرات، مردم یکپارچه به سیاست «جبهه» و نیز به دولت پرزیدنت آلبر رنه آری گفتند و متحداً آشوبگران و اخلاص گران در امر پیشبرد برنامه های دولت را محکوم کردند. به این ترتیب، بورژوازی که ارتجاع برای عقیم گذاشتن برنامه های انقلابی دولت آغاز کرده بود، با هوشیاری خلق، به شکست انجامید.

دو روز بعد، جلسه فوق العاده نخستین دوره مجلس ملی آغاز شد. بقیه در صفحه ۶

و مدارس مطرح نیست. آشوبگران هدفهای دورتری را در نظر داشتند. آن ها می خواستند تعلیم سیاست «جبهه» و دولت را زیر علامت سوال بگذارند و شکست خویش را در ادامه برنامه های اسارت بار قبلی، جبران کنند و به احیای رژیم گذشته بپردازند. در پی این تلاشها بود که صبح روز یازده اکتبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) فرزندان محافل بزرگ مالی به خیابانها ریختند. آن ها، که قبل از شروع درگیری و تخریب، با آنچه است شده بودند، به تخریب مغازه ها پرداختند. به دنبال آن ها، تمام کسانی که اصلاحات بنیادی رژیم جدید منافع شان را به خطر انداخته بود، خود را وارد هرکه کردند. در این تخریبها از جمله یادبود زیبا و با شکوهی که به افتخار روز آزادی، یعنی ۵ ژوئیه ۱۹۷۷، برپا شده بود، مورد یورش این اوباشان زر و زور قرار گرفت. دولت برای این که هر گونه بهانه را از دست این آشوب طلبان بگیرد، زمان اجباری بسودن کارآموزی برای جوانان را لغو کرد، لیکن همان طور که گفته شد، هدف آشوبگران ایجاد آشوب و تشنج برای سرنگون کردن رژیم بود و نه تنها لغو یک قانون ساده، لذا روز بعد نیز تخریب و آشوب ادامه یافت. این بار پلیس دست به عمل زد و آشوبگران



ماهی گیری یکی از مشاغل سنتی «سی شل» است. اینک ماهی گیران در جمهوری مستقل و آزاد خود بهتر زندگی می کنند.



... عراق برای این که ما با آمریکا مبارزه می کنیم به ما حمله کرده است

فروشنندگان کوچک لوازم یدکی "رهنورد" نیز در این مورد درد دل بسیار دارند. آن ها از کسانی که در این شرایط جنگی مواد خوراکی و یا وسایل دیگر ضرورت زندگی را احتکار می کنند، شدیداً شاکی هستند و معتقدند که این ها یا ضدانقلاب هستند و یا تحت تاثیر ضد انقلاب قرار گرفته اند.

از مجموعه مشاهدات ماو سخنانی که تعمیرکاران واحدهای مکانیکی عنوان کردند، می توان در یک کلام باطمینان گفت که: این گروه از زحمتکشان ایران نیز، به همراهی همه خلق، در جبهه انقلاب ایستاده اند و تا نابودی آمریکا ازبای نخواهند نشست.

اما چگونه می توان همه این نیروها را در یک جهت به کار گرفت، تقویت کرد و ضمن مبارزه برای دفاع از استقلال و دفع توطئه های امپریالیسم، مشکلات صنفی آنان و خواست های برحق ایشان را تامین کرد؟

در این جاست که خلا تشکیل و تجمع زحمتکشان تعمیرکار محسوس است. این زحمتکشان با تشکیل اتحادیه صنفی خویش و در ارتباط تنگاتنگ با مسئولین دولتی جمهوری اسلامی ایران، از طریق نمایندگان انتخابی خویش، می توانند کمبود وسایل و لوازم کار و مواد اولیه مورد نیاز خود را برطرف کنند و در جهت رفع محرومیت های رفاهی صنف نیز گام بردارند. با آرزوی موفقیت برای زحمتکشان تعمیرگاهها.

بایستند و هرگونه کمکی که از دستشان برآید، بکنند. من که روزی ۷۰ الی ۱۰۰ تومان درآمد دارم، حقوق یکروز خود را، که البته ناچیز است، به جبهه کمک کردم و دریافتی نیز تلاش خواهم کرد.

فرهاد داداشی ادامه می دهد: "مردم باید به کلاس های بسیج بروند و فنون نظامی را یاد بگیرند تا در صورت لزوم برای مبارزه با مزدوران صدام به جبهه اعزام شوند. من خودم برای آمادگی رزمی پیدا کردن در کلاس بسیج ثبت نام کرده ام، تا در صورت احتیاج، به جبهه جنگ با مزدوران بعث عراق اعزام شوم."

کارگران ایران به عمق رهنمود امام خمینی مبنی بر "وحدت همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی بیشتر می برند و آن را یگانه راه پیروزی بر همه دشمنان انقلاب ایران می دانند. آقای محمود پاکزاد، کارگری که در کارگاه تعویض روغن، واقع در خیابان مخصوص کاری کند و آقای علی بهادری عقیده دارند که:

"در شرایطی که ما با آمریکا و عراق که همکار آمریکا است، جنگ داریم، هرگونه تفرقه و اختلاف، چه در بین مردم و چه در بین مسئولین مملکتی، به زیان انقلاب است." آن ها به درستی خاطر نشان می سازند که در حال حاضر همه مردم باید بر ضد آمریکا و عراق با هم اتحاد داشته باشند.

شرکتهای بزرگ، لوازم یدکی را احتکار می کنند و گرانی مصنوعی بوجود می آورند
مردم باید با تمام قدرتشان در مقابل عراق که دستیار آمریکاست، بایستند
مردم باید به کلاسهای بسیج بروند، تا در صورت لزوم برای مبارزه با مزدوران صدام و مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا آماده باشند

در کارگاههای مکانیکی و تعویض روغن

توزیع اکثر کالاها ضرورت را بدست گیرد (همانطور که در مورد چند قلم کالای مصرفی چنین عملی صورت گرفته است) مسئله کمبود روغن موتور و سایر احتیاجات مردم تا حدودی برطرف می شود. فرهاد داداشی، کارگر دیگر کارگاه مکانیکی، واقع در خیابان مهدی خان، نقش سرمایه داری بزرگ و شرکت های بزرگ را در احتکار کردن لوازم یدکی و در نتیجه قحطی مصنوعی، خیلی مهم تلقی می کند و از دولت انقلابی می خواهد که مانع کار این چپاولگران و ضدانقلابیون گردد.

جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه میهن ما

هر جا که انقلابی رخ می دهد، مردم وزحمتکشان در صحنه سیاست حضور دارند. دشمنان انقلاب و حاکمیت انقلابی هم، تا زمانی که مردم در صحنه هستند، نمی توانند انقلاب را شکست دهند. دار و دسته صدام خائن و امپریالیسم آمریکا، به خیال خود، می خواستند با تجاوز به خاک میهن ما، به براندازی جمهوری اسلامی ایران دست یابند. اما غافل از این که مردم ایران و به ویژه کارگران و سایر زحمتکشان ایران، همچنان پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند و از آن در مقابل هرگونه توطئه و تجاوز امپریالیسم و وابستگی پاسداری می کنند. وقتی که نظر آقای لطف علی را در باره جنگ اخیر جویا می شویم، جواب می دهد که: "مردم باید با تمام قدرتشان در مقابل عراق که دستیار آمریکاست،

ظهر کاری کنیم. البته قبلا که مسئله خاموشی مطرح نبود، تا ساعت ۹ شب هم کار می کردیم. بیمه هم کنه بیستیم و اگر مریض شویم باید کلی پول دکتر بدهیم. لطف علی سپس به مسئله گرانی اشاره می کند و می گوید: "قیمت ها خیلی بالاست. مثلا قیمت ۴ لیتر روغن الان در بازار ۶۰ تومان است، یعنی درست سه برابر افزایش یافته است."

مشکل گرانی ما احتیاج عمومی، که به طور عمده میراث رژیم خائن گذشته است و در حال حاضر هم سرمایه داران بزرگ در جهت تشدید آن گام بر می دارند، همچنان بر همه لوازم مورد احتیاج روزمره مردم سایه گسترده است. اما با وجود مشکلات ناشی از گرانی اجناس، زحمتکشان ایران همچنان صبر و تحمل می کنند تا مقامات دولتی اقدامات لازم را بعمل آورند.

کارگران ایران مسئله مهم را همچنان فائق آمدن بر تجاوزگران صدامی و امپریالیسم آمریکا می دانند. علی بهادری کارگر تعمیرگاه مکانیکی در خیابان ابوسید می گوید: "البته ما الان که جنگ است چیزی نمی خواهیم، ولی انتظار ما از دولت این است که وقتی جنگ تمام شد، به وضع کارگران مکانیک رسیدگی کند." لطف علی در مورد علت کمبود وسایل یدکی و کمبود روغن، سه عامل را تعیین کننده می داند:

"یکی جنگ با عراق، دوم احتکار لوازم و ما احتیاج توسط شرکت های بزرگ و سوم تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم جهانی. در صورتی که دولت بتواند کار

کارگران مکانیکی و کارگاه های تعویض روغن، همانند دیگر کارگران ایران، از صبح تا شب کاری کنند، ولی از حقوق بازنشستگی، تضمین شغلی، هشت ساعت کار در روز و غیره محروم هستند.

بعد از انقلاب و بخصوص بعد از جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه ایران، به دلیل اجرای طرح ترافیک و سپس جیره بندی بنزین، کار مکانیکی ها و کارگاه های تعویض روغن به طور نسبی کاهش یافته است.

مشکل اصلی کارگاه های مکانیکی کمبود و گرانی وسایل یدکی است، که علتش اولاً تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیست ها است و ثانیاً احتکار این وسایل توسط شرکت های بزرگ داخلی. مشکل اصلی کارگاه های تعویض روغن هم، کمبود روغن است.

کارگران این رشته مانند سایر مردم زحمتکش ایران با تمام توان خود از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می کنند و در صف نخست نبرد علیه امپریالیسم جای دارند. در ارتباط با مشکلات کارگران مکانیک و نظر آن ها نسبت به انقلاب و جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام، با چند تن از کارگران این صنف گفتگویی بعمل آوردیم.

آقای یوسف لطف علی، که به اتفاق برادرش صاحب یک کارگاه تعویض روغن در خیابان حنیف نژاد است، در مورد وضع زندگی خود می گوید: "من و برادرم، که هر دو متاهل هستیم و در یک خانه مستاجریم، ماهانه دوهزار و پانصد تومان کرایه می دهیم. هر روز از ساعت ۷ صبح تا بعد از

توفیق حبیبی (باربر بانه ای): دست واسطه ها و محترکان را قطع کنید!

☆ صدام دشمن خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران است

یکی از حربه های امپریالیسم آمریکا برای شکست انقلاب ایران، تکیه بر عوامل داخلی است. در این زمینه نقش قابل توجهی به محترکان ضدانقلابی سپرده است تا با احتکار کالاها ضروری و اوراق عمومی مردم، به نارضایتی ها دامن بزنند و زمینه توطئه های مختلف آمریکا را فراهم آورند.

در این زمینه، خبرنگار ما "مردم دربان" با دو نفر از باربران این شهر گفتگویی انجام داده است. حسین یوسفی (باربر) در این مورد می گوید: "با ۱۲ ساعته، هرده روز یکبار ده لیتر نفت به ما می دهند. این نوع توزیع خوب نیست از توزیع آرد نیز نارضایتی هستم. باید تقسیم آنها را به عهده افراد بهتری بگذارند."

توفیق حبیبی، یکی دیگر از باربران می گوید: "۹ ساعته دارم و از توزیع مواد سوختی و روغنی راضی نیستم. با روزی ۳۰ الی ۴۰ تومان درآمد، با این گرانی هر روز وضع بدتر می شود."

توفیق حبیبی در پاسخ به پرسش خبرنگار ما "مردم دربان" تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران می گوید: "تا آخرین قطره خون خود را بپایان خاک مملکتان دفاع کنیم، چون صدام دشمن خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران است."

ما ضمن جلب توجه مسئولین دولتی در کردستان به این مسئله، از آنها می خواهیم که با بخش کوبین و تقسیم درست اوراق عمومی و سپردن امر توزیع بدست افراد مومن به انقلاب هم دست محترکان را کوتاه کنند و هم نارضایتی را در نزد مردم از بین ببرند.

کارگران کارخانه سیمان «لوشان» خواستار برخورداری از امکانات درمانی هستند

☆ ایجاد امکانات درمانی برای کارگران و دیگر زحمتکشان تنها با اقدامات بنیادی ممکن خواهد بود

اما اقدامات فوری که در حال حاضر می توان برای این منطقه انجام داد، عبارتند از:

- ۱- افزودن به تعداد آمبولانس های درمانگاه برای رساندن سریع تر بیماران به درمانگاه. چه بسا ممکن است در چنین محلی بر اثر سانحه ای چندین کارگر آسیب ببینند. بالطبع یک آمبولانس به تنهایی قادر به رساندن کارگران به درمانگاه نخواهد بود.
- ۲- استفاده از پزشک دیگری در همین درمانگاه، تا لااقل بتوان در ساعات بیشتری از شبانه روز بیماران را پذیرفت. یک پزشک به تنهایی قادر نخواهد بود در ۲۴ ساعت شبانه روز بیماران را تحت مداوا قرار دهد.
- ۳- اقدام برای ایجاد مرکز درمانی دیگری در منطقه، تا با کمک درمانگاه فوق، در پذیرش بیماران تسریع شود و کارگران مجبور نشوند برای مراجعه به پزشک مسافت طولانی را طی کنند.

باید در مراکز باید همه کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و ده به طور رایگان، چه سریایی و چه به طور بستری، درمان شوند.

باید در مراکز استان ها و شهرستان ها، بیمارستان های دولتی بوجود آورد. این بیمارستان ها باید مجهز به آمبولانس و دیگر وسایل درمانی باشند. درمان در این موسسات نیز باید رایگان باشد.

این ها قسمتی از کارهای بنیادی است که باید صورت گیرد، که البته بدون برنامه و بدون صرف وقت لازم، غیر ممکن است.

چگونگی حل این مسئله به تفصیل در نامه "مردم"، در طرح های پیشنهادی حزب توده ایران درباره دگرگونی و نو سازی کشور، آمده است.

در کارخانه سیمان لوشان حدود ۴۰۰ نفر کار می کنند. از این عده ۳۲۰ نفر کارگر و قریب ۸۰ نفر کارمند هستند. کارگران این کارخانه در مبارزات قبل از انقلاب، به همراه سایر کارگران میهن مان شرکت کردند. حدود ۲۲ روز از کار دست کشیدند و توانستند بعضی از حقوق قانونی خود را بدست آورند.

کار این کارخانه شبانه روزی است و کارگران شب کار، طبق قانون کار، اضافه کاری دریافت می کنند و ایام تعطیلی نیز طبق موازین قانونی است.

مسئله عمده و مهم کارگران مشکل درمانی است. در منطقه لوشان چند کارخانه نزدیک بهم وجود دارد و با تعداد جمعیتی که دارد، امکانات درمانی آن تکافو نمی کند و باید برای آن راه حل اساسی پیدا شود.

در لوشان یک درمانگاه وجود دارد، که در آن فقط یک پزشک بزرگ خارجی، چند پرستار، یک داروخانه می و یک آمبولانس کار می کنند. در حالی که کارگران کارخانه سیمان، نیروگاه برق حرارتی، شرکت عابر، کارخانه چسب، کارگران معدن سنگرود، که وابسته به ذوب آهن است، و تمامی کشاورزان منطقه و خانواده آن ها از همین یک درمانگاه استفاده می کنند.

شرایط درمانی نه تنها برای کارگران منطقه لوشان، بلکه برای اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان میهن مان بدین منوال است. برای حل این مشکل باید کارهای بنیادی صورت

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

قاطعیت ارگانهای انقلابی در گذر در کمک به دهقانان زحمتکش می تواند مشت محکمی بر دهان ابوالفضل قاسمی ها باشد

خواهیم توانست دهقانان را آباد کنیم و مزه زندگی انسانی را خواهیم چشید. از مشکلات ده می پرسیم. در جوابمان می گوید:

"آب کم است. تراکتور داریم برای شخم زدن گران حساب می کند. ما مجبوریم با گاو زمین را بکنیم. محصولات را نمی توانیم خوب بفروش برسانیم. خوک ها هم بلا می محصولات ما هستند. گرانی هم فشار می آورد. ولی دولت جیره بندی کرده و این خوب است و به نفع ما مستضعفان است، چون تاجرها همه چیزها را احتکار کرده، بعد آرام آرام اجناس را بیرون آورده و گران می فروشند."

حرفهای این دهقان ستر کشیده کم زمین باید همداری برای ارگانهای انقلابی و مقامات مسئول در گرفتارند، او دریافته است که ابوالفضل قاسمی ها و کسانی که از او پشتیبانی می کنند، زالو-هایی هستند که در فکر چپاولگری خود و اربابشان - امپریالیسم آمریکاستند، موربانه هائی هستند که از درون انقلاب را می خورند. باید به همه دهقانان و زحمتکشانی که عمل و با عمل کمک کرد تا این را کامل درک کنند. این وظیفه نهاد های انقلابی منطقه در گز است که قاطعانه به نفع این زحمتکشان روستایی وارد عمل شوند و عملاً ماه پیشگرمی و دلگرمی آنها نسبت به انقلاب و در نتیجه تحکیم پشت جبهه نبرد - نبرد با امپریالیسم آمریکا بشوند.

در ۳۳ کیلومتری شمال شرقی شهرستان درگز ۷ کیلومتری بخش پلطف آباد روستای کوچکی بنام "حصار" واقع است. اهالی روستا اکثر دهقانان کم زمین تشکیل می دهند، که هر کدام حدود ۲ الی ۳ هکتار زمین دارند. کمبود آب عاملی است، تا دهقانان نتوانند تمام زمین های خود را به زیر کشت برند. بایکی از دهقانان زحمتکش روستا شامی شوم. سنش حدود ۴۰ سال است، ولی ۶۰ ساله بنظر می رسد. با سود کمی که دارد تنهایی توانست بخواند و قادر به نوشتن نیست، نامش محمد رضا است. با او به صحبت می نشینم می گوید:

"این انقلاب بر علیه آمریکای سرمایه داران قد علم کرده، این انقلاب به نفع طبقه ضعیف است. ما باید به انتحار را بگیریم. من زمان انتخابات مجلس، ندانسته به ابوالفضل قاسمی رای دادم، چون می گفتند او با شاه مخالف بوده و طرفدار ضعیفان است. ولی حالامی فهمم که امام طرفدار مستضعفان است و حرفهای قاسمی دروغ بوده. در منطقه ما بسیاریند کسانی که هنوز این رادگر نکرده اند. من در ده می خواهم به دهقانان ستم کشیده توضیح دهم که اگر پشت انقلاب را نگیرند، باز هم شیطان بزرگ با طاغوتها برمی گردد. باز باید خانه و زندگی شان را رها کرده به کارگری در شهرها بروند. ولی انشاء اله شیطان بزرگ و توجیه اش صدام آمریکائی شکست می خورد و ما

ابتکاری برای تقویت پشت جبهه و تولید بیشتر محصولات کشاورزی

چندی پیش در محل استادیوم ورزشی شهرستان زابل، نماز جمعه به اسامت حجت الاسلام شهسپوری و با شرکت گروه های مختلف مردم، از جمله گروه های کتیری از کشاورزان زحمتکش سیستانی، که با وسایل خود به این مراسم آمده بودند، برگزار شد. در حین این مراسم، یکی از مسئولین سپاه پاسداران انقلاب، پس از تشریح وضع موجود در کشور، طرح تشکیل "کمیته ضربت کشاورزی نماز جمعه" را ارائه داد. طبق این طرح، به کمک سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و اداره کشاورزی، و همیاری ریشینیانی همه مردم تصمیم بر این گرفته شده است که اراضی مزروعی وسیعی، که بزرگ مالکان سالها بدون کشت رها کرده اند، قبل از اینکه موعد کشت پائیزه یکدزده، یا توجه به کمکهای مالی، وسایل مورد نیاز و نیروی انسانی، که شرکت کنندگان در نماز و دیگر شهروندان ارائه می کنند به زیر کشت برده شود. هدف آنست که در این زمان، که مابین انقلابی ما از طرف شیطان بزرگ - آمریکا و شیطان کوچک - صدام مورد تجاوز قرار گرفته و جنگی تمام عیار راه مانع تحویل کرده اند، بتوانیم پشت جبهه را تقویت کنیم و بر فشارهای ناشی از محاصره اقتصادی شیطان بزرگ و دیگر متحدانش فائق آئیم. سپس امام جمعه در خطبه های خود لزوم همکاری هر چه وسیع تر اقتار مختلف را برای پیاده کردن این طرح

انقلابی متذکر شد و نمازگزاران با فریادهای "الله اکبر" طرح را تایید و آمادگی همه جانبه خود را اعلام کردند. در پایان پرستش نامه های بین افراد توزیع و قرار بر این شد که بعد از برگردن پرستش نامه ها، آنها رایبه اداره کشاورزی تحویل دهند، تا پس از جمع آوری کامل آنها و اطلاع از میزان کمکهای وامشده، "کمیته ضربت کشاورزی نماز جمعه" طرح خود را اجرا در آورد. ما به نوبه خود این اقدام را، که در جهت تقویت جبهه و پشت جبهه است، بخصوص در این زمان که آمریکای جهانخواه توسط رژیم جنایتکار صدام مابین انقلابی ما را مورد تجاوز قرار داده است تایید می کنیم. در عین حال ما تاکید میکنیم که یک راه حل اصولی برای حل مسئله زمین و در نتیجه بزرگترین مسئله برای این امستولان امر می خواهیم که هر چه بیشتر آن کاملاً ضروری است و بنابراین از مسئولان امر می خواهیم که هر چه زودتر امکانات لازم را برای اجرای بزرگ مالکان غارتگر، که بفرموده امام خمینی: "مالکان آنها دلیلی بر مالکیت جز ستمند قلابی و تصرف عدوانی نداشته اند، بتوسط هیئتهای هفت نفری واگذاری زمین فراهم کنند تا دهقانان زحمتکش سیستان، که سالها زیر ستم قرار داشته اند، بتوانند خود آزادانه و با فعالیتیکبر و مستمر، امر جهاد کشاورزی را تحقق بخشند و در راه پیشبرد اهداف انقلاب شکوهمند مابین مان یکوشند.

دهقانان زحمتکش گرنیه نیشابور را یاری دهیم!

هدف دهقانان زحمتکش از مبارزه، رسیدن به حقی است که سالها سال به وسیله رژیم خائن پهلوی و زمین داران غارتگر پایمال شده است. آنان تاکنون موفق نشده اند، ولی همچنان می خواهند که در جمهوری اسلامی ایران به محققان برسند.

روستای گرنیه در بخش زبرجان نیشابور قرار دارد. جمعیت روستا حدود ۳۰۰ نفر است. روستائیان تهیدست و خرده پای روستا، در سال گذشته، با بزرگ مالک و عوامل وابادیوی بارها بر خورد داشته و دست به اعتراضاتی زده اند.

مژدی به روستاهای ترکمن صحرا

دشت وسیع سواحل غربی خزر، که به عبارتی آنرا ترکمن صحرا می گویند و بهرشته کوههای البرز ختم می شود، از سالها پیش، به علت کیفیت خاص زمین آن، بزرگ کشت گندم میرفت. این دشت از جمله عقب مانده ترین مناطق کشور است. در طی سالهای حکومت شاه ملعون، بزرگ زمینداری در این منطقه بسرعت رشد کرد، بطوریکه زمینداران بزرگی چون "هزیر یزدانی" در این دشت از اراضی بسیار وسیعی برخوردار شدند.

تسلط بزرگ زمینداران در این منطقه، همچون دیگر نقاط کشورمان، به علت ماهیت غارتگرانه آنان، لاجرم فقر و فلاکت عمیق توده های مردم را بدنبال داشت.

تاقبل از انقلاب، زمین در اختیار مالکان بزرگ بود و روستائیان بر روی زمینها کار میکردند و محصول نیز به نسبت سهم یک و گاهی نیز چهار به یک (سه یا چهار سهم از آن مالک و یک سهم از آن دهقان) بین مالک و دهقان تقسیم میکردند.

پس از انقلاب، اراضی مدتی به طریق شورایی کشت شدند. لیکن تکلیف زمینها بطور کامل در کل منطقه مشخص نگردید. و در نتیجه مسائل حادی پیش آمد که همگان معترف بودند، یکی از علل اصلی آن، حل نشدن مسئله زمین است. در حال حاضر وضع زمین در ترکمن صحرا بقرار زیر است:

بخشی از اراضی، بخصوص در اطراف گرگان، هنوز بطریق شورایی کشت میشوند، ولی زمین به دهقانان واگذار نشده است. در این روستاها، در سال قبل، بعد از برداشت محصول گندم به هر خاوار حدود ۱۱ کیسه گندم رسید. البته دهقانان این امر را بطور موقت پذیرفتند، لیکن ادامه این وضع مسلماً موجب نارضایتی دهقانان می گردد.

غلام باهری، یکی از دهقانان روستای امیر آباد، که بر سر راه گرگان - آق قلا، واقع است، در این مورد می گوید:

"هشت فرزند دارم، که شش تای آنها به مدرسه میروند. بمن در پایان سال تنها ۱۱ کیسه گندم دادند که حتی مجبور شدم برای تامین آذوقه به قرض متوسل شوم. وی پس از اندکی مکث، سخنانش را چنین ادامه می دهد:

"آخر من که کشاورز هستم، مگر می توانم با یازده کیسه گندم خرج یک سال را پیش ببرم؟! به مقامات مسئول مراجعه کردم و وضع خود را گفتم. آنها میخواستند از چهار هکتار زمین، که سابقاً کشت میکردم، تنها یک هکتار بمن بدهند. آبیانی شود بجای یک هکتار، سه هکتار بمن بدهند، تا من از این بدبختی و گرسنگی نجات یابم؟ بخدا پیش زن و بچه ام از خجالت هر روز می میرم و زنده میشوم."

وضع این دهقان و نظایر او ناشی از آن است که قانون هنوز تمام و کمال اجرا نشده، تکلیف دهقان بطور قطع روشن نشده، از اشکال تعاونی و کمکهای ضروری دولت برای تولید هنوز استفاده نشده است.

علی بخش کیقبادی، روستائینی دیگر روستای امیر آباد، که بر روی تراکتور متعلق به شورانشسته و مشغول شیار زمین است می گوید:

"آقا! به مسئولین بگوئید که حالا وقت کارشکنی در کار ما نیست. اگر لازم است از قند و شکر و نفت و روغن من و خانواده ام بزنند و در مقابل به من

چراغ راه و جهت اصلی کار هیئت های هفت نفری، باید تامین منافع تهیدستان روستا باشد



این پیروم برکن ۷۰ سال از عمرش را روی زمین کار کرده است و هنوز هم بدر می باشد. زمین ها باید مال این دهقانان باشد. (بندر ترکمن)

روغن تراکتور بدهند تا کار کنیم. مسئله روغن موتور برای ماشین های زراعتی یک مسئله بسیار حاد است. کمباید دقیقاً و هر چه سریعتر حل شود. از دهقانان ترکمن صحرا در شمال تا دهقانان فارس در جنوب، همزمان بودن روغن شکایت دارند، زیرا تولیدشان وابسته به آن است و کار زراعتی بدون آن میخوابد.

برخلاف روستاهای اطراف گرگان چون امیر آباد، محمد آباد و... که زمین هنوز در اختیار شوراهاست، در اطراف آق قلا و علی آباد وضع بدین منوال نیست. یکی از دهقانان روستای محمد الیق (اطراف آق قلا) در این خصوص می گوید:

"هی منتظر ماندیم، آنها هم برای تقسیم زمین امروز وفردا کردند، ولی آخر زمین را تقسیم نکردند و هم چنان بلا تکلیف گذاشتند، تا بالاخره آنها رایبه فتوادها دادند و حالا تراکتور فتوادها شب و روز کار می کند. در اطراف روستای دوجی، در ۵ کیلومتری علی آباد، حدود ۲۰۰۰ هکتار زمین متعلق به زمینداران بزرگی چون سرهنک فورانفر، آوانسیان (صاحب سبهاهای گرگان و علی آباد) و دیگران است. این اراضی سال قبل همچون سایر زمینهای منطقه، بطریق شورایی کشت شدند. در پایان سال نیز بهر خاوار روستایی حدود ۱۱ کیسه گندم دادند و بقیه گندمها، که بیش از ۵ کامیون بود، به شورا تعلق گرفت و از جانب سپاه پاسداران اخذ گردید. تا گندم تمام شد محصول پنجه این روستا در این سال یا بین روستائیان تقسیم نگردید و یا کم تقسیم شد. و سرانجام هم بزرگ مالکان آمدند و با اجازه رسمی هیئت هفت نفری، حدود هزار و سیصد هکتار زمین مرغوب این محل را در اختیار گرفتند و مشغول کشت شدند. در جریان این اختیار گرفتن زمین توسط بزرگ مالکان، شوراهای اسلامی محل به مخالفت پرداختند، لیکن از آنجا که زمینداران از جانب هیئت هفت نفری اجازه داشتند، شروع بکار کردند.

روستای دوجی به انضمام روستاهای اطراف، حدود ۵۰۰ خاوار جمعیت دارد. عمده ای از این روستائیان می گویند:

"اگر زمین را حالا هم بماندهند ما کشت میکنیم. برخی از مقامات بمانیگویند که در سال قبل کم زمین رایبه شما دادیم، محصول کم بود ولی ما میگوئیم اولاً در سال قبل محصول کم نبود و در ثانی در سال قبل امکانات کافی در اختیار ما نبود. ادعای کم شدن محصول در نتیجه مالکیت دهقانان، ساخته و پرداخته عمده مالکان است، تا زمین ها را در دست خود نگه دارند. آنها خود با اشکال مختلف خرابکاری می کنند، یا شرایط تولید را نادیده می گیرند، یا به دروغ ادعای کم شدن تولید را مطرح میکنند. هفتصد هکتار از ۲۰۰۰ هکتار باقی مانده در روستای دوجی نیز در اثر بارندگی به زیر آب رفته و هم اکنون نیز برخی از قسمتهای آن غیر قابل استفاده شده است."

ترکمن صحرا از جمله مناطقی از کشور است که، پس از انقلاب، صحنه درگیریهای حاد بوده است. علیرغم اهمیت مسئله زمین در ایجاد این درگیریها و علیرغم دستورات صریح حجت الاسلام خلخالسی در

زمینه، صادره املاک بزرگ مالکان و زمیندار کردن اقتار مختلف دهقانی، مسئله زمین متأسفانه همچنان حل نشده باقی مانده است. انقلاب برای تعمیق خود، آنچنانکه باید و شاید هنوز نتوانسته است در این منطقه به پیش رود. برای آنکه روستائیان زحمتکش این منطقه، که در حال آماده دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن بوده و هستند، بتوانند به وظیفه بزرگ خود عمل کنند، لازمست که در وهله نخست چراغ راه و جهت اصلی کار هیئت های هفت نفری تامین منافع دهقانان تهیدست و محروم باشد. جانبداری از بزرگ مالکان غارتگر و ظالم، تحت هیچ شرایطی، در شان هیئت های هفت نفری و پاسخگویی نیازهای انقلاب بزرگان نیست. ماهیت انقلاب ما، رهنمودهای امام خمینی، قانون مصوبه، حق مسلم دهقانان مستضعف، همچون چراغ راهنمایی است که هیئت های هفت نفری، با در نظر گرفتن آن، باید هر چه زودتر و سریعتر به وضع کلیه اراضی رسیدگی کنند و قانون اصلاحات ارضی را بهر روستائیان و اصلاحات ارضی را بهر دهقانان است که در اکثر نقاط کشور ما هیئت ها کرده اند و بانجام وظیفه انقلابی خویش، عشق و علاقه و حمایت پر شور دهقانان را نسبت به خود و امیدواری و اطمینان را به آنان را نسبت بانقلاب، جلب کرده اند. همچنین تحت هیچ شرایطی و فعالیت تعاونی در ذهن روستائیان زحمتکش وجود آید. نحوه عمل تمام ارگانها و نهادهای انقلابی باید بگونه ای باشد که مشوق روستائیان در مباردت به کار جمعی بر روی اراضی شود، زیرا که شکوفائی اقتصاد و ازدیاد محصول را بهر همراه خواهد آورد. همچنانکه آیت الله منتظری کرارا تاکید کرده است، باید وسایل کار برای کار کشاورزان فراهم گردد و در دسترس آنان قرار داده شود. از این طریق است که ما می توانیم با جبهه گسترده و نیرومند انقلاب، تمام توطئه های شیطان بزرگ - آمریکای غارتگر را خنثی کنیم.

دهقانان کم زمین وی زمین! باتشکیل کمیته های خود و اینکه به پاسداران متعهد و افراد لوس و جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

روستائیان روستای گرنیه هم چنین خواستار برخورداری از امکانات و وسایل کار، ایجاد شورای ده، تامین آب، راه و مدرسه هستند.

مناسبات ما با سایر کشورها بر چه پایه باید استوار باشد

از سخنان امام خمینی خطاب به هیئت دولت:

"... حالا ما وابسته به غیر نیستیم. البتیک احتیاجاتی دنیا به هم دارد. این وابستگی نیست. مثلا ما احتیاج ناریم که گندم بخریم پول می دهیم و گندم می خریم... اینها اسمشان وابستگی نیست... (اینها) مبادلات تجارته است، وابستگی نیست. وابستگی این بود که ما در زمان شاه داشتیم که همه چیزمان را باید آنها بیایند اداره کنند. مستشار بیاید و لشکر ما را اینطور بکنند که کردند و آن طور خرابکاری... الان ایران وابسته به هیچ جا نیست و این بهترین چیز است که جمهوری اسلامی آورده..."

سخن امام خمینی دقیق است. مناسبات با دیگر کشورها، به شرطی که بر پایه برابری کامل حقوق و سود متقابلا عادلانه، برای رفع نیازمندیها در جهت رشد و ترقی مستقل کشور برقرار شود، وابستگی نیست. هیچ کشوری به طور مطلق بی نیاز نیست. حتی کشوری مانند آمریکا، که بزرگترین قدرت اقتصادی سرمایه داری پیش رفته است و حتی کشوری مانند شوروی، که بزرگترین قدرت اقتصادی سوسیالیستی پیشرفته

است و رشد اقتصادی خود را بر پایه منابع و قدرت تولیدی عظیم درون کشور، طبق برنامه، تامین می کند، به طور مطلق بی نیاز نیستند، به طور مطلق خودکفا نیستند. "احتیاجاتی دنیا به هم دارد". برقراری مناسبات بین کشورهای مختلف، امری طبیعی، مفید و لازم است. تمام مسئله در این است که ما - جمهوری اسلامی ایران - بتوانیم راسا و فارغ از هرگونه اعمال فشار و یا نفوذ بیگانه تصمیم بگیریم، این تصمیم در جهت رشد و ترقی مستقل کشور باشد، و از این موضع با دیگر کشورها، برای رفع نیازمندیهای خود، بر مبنای احترام بی خدشه متقابل به حق حاکمیت، برابری حقوق، سود متقابلا عادلانه، عدم مداخله متقابل در امور داخلی، مناسبات برقرار کنیم. مفهوم عدم وابستگی و مفهوم استقلال، جز این نیست. اگر کسی بخواهد تحت عنوان حفظ استقلال و جلوگیری از وابستگی، از برقراری مناسبات با دیگر کشورها جلوگیری کند، او، دانسته یا ندانسته، در راه انزوا و کشورگام برداشته است، بر سر راه رشد، بر سر راه پیشرفت کشور سنگ انداخته است.

چون برقراری مناسبات با دیگر

کشورها، دو طرف دارد. این سؤال مطرح می شود که: آیا برقراری مناسبات برابری حقوق یا سود متقابلا عادلانه، ممکن است یا نه؟

برای پاسخ به این سؤال، میتوان دیگر کشورهای جهان را به سه گروه تقسیم کرد: کشورهای رشد یافته سوسیالیستی، کشورهای رشد یافته یا کشورهای سرمایه داری رشد یافته یا امپریالیستی. برقراری مناسبات برابری حقوق یا دو گروه نخستین آسان است و با گروه سوم دشوار، ولی در شرایط کنونی جهان غیر ممکن نیست.

با کشورهای سوسیالیستی آسان است، چون خود این کشورها حاضرند (و همگی اعلام کرده اند) و سیاست آنها این است که با دیگر کشورها، بی قید و شرط سیاسی، بی مداخله در امور داخلی، با احترام متقابل به حق حاکمیت و استقلال، با رعایت برابری حقوق و سود متقابلا عادلانه، رابطه برقرار کنند. بنابراین، ما می توانیم خود راسا، نوع مناسباتی را که می خواهیم با این کشورها برقرار سازیم، مطرح کنیم، با آنها وارد مذاکره شویم و اگر این مذاکره، در هر رشته ای، چنان نتیجه داد که مطلوب ما بود، آن مناسبات را برقرار کنیم و با برقراری چنین مناسباتی، ما می توانیم به سود رشد کشور در

زمینه های علمی، فنی، صنعتی، کشاورزی، بازرگانی، فرهنگی و غیره بهره گیری کنیم.

برقراری مناسبات با کشورهای گروه دوم، یعنی با کشورهای رشد یافته نیز آسان است. این کشورها خود نیازمندی های متنوعی دارند که برخی از آنها را ما می توانیم برآورده سازیم. ما که چشم داشتی و غرضی در برقراری مناسبات با آنها نداریم، به آسانی می توانیم با آنها، برای رفع نیازمندی های متقابل، رهنمای برابری حقوق و سود متقابلا عادلانه رابطه برقرار سازیم.

و اما کشورهای رشد یافته سرمایه داری یا امپریالیستی. کار برقراری مناسبات برابری حقوق با آنها دشوار و بسیار دشوار است، چه با دولت های آنها، چه با شرکت ها و انحصارهایی که، بخواهیم یا بخواهند، طرف معامله با ما قرار گیرند. سرشت اینان استعمارگر است. سیاست آنها استعمارگرانه است. آنها همواره کوشا هستند چنان مناسباتی برقرار کنند که منجر به وابستگی طرف معامله گردد، منجر به وابستگی سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی کشوری گردد که با آن مناسبات برقرار میکنند آنها سلطه جو و غارتگرند. با این همه در شرایط کنونی جهانی، اگر

کشوری مانند کشور ما مناسبات برابری حقوق خود را با دیگر کشورها - چنان کسرتش دهد که بتواند تا حدود زیادی بی نیاز از معامله و برقراری مناسبات با کشورهای امپریالیستی گردد، در چنین صورتی، این کشورها و یا انحصارهای امپریالیستی، احیانا حاضره تن در دادن به برقراری مناسبات برابری حقوق و متقابلا سودمند خواهند شد. - چون اولاً عملا درخواست یافت که طرف بی نیاز است و میتواند از برقراری مناسبات با آنها صرف نظر کند، و ثانياً خود آنها دچار بحران زندگی هستند و نیازمند به برقراری مناسبات. هر چند این مناسبات نه غارتگرانه، بلکه حاوی سود کمتری، سود عادلانه تری باشد. بر مبنای همین دو عامل است که کشورهای سوسیالیستی میتوانند با کشورهای امپریالیستی مناسبات اقتصادی برابری حقوق و متقابلا سودمند برقرار کنند و برقرار میکنند.

در حال، برقراری مناسبات، از طرف ما - جمهوری اسلامی ایران - با همه دیگر کشورها (بدون استثنا) سیاستی از موضع حفظ بی خدشه استقلال خود، عدم پذیرش هر نوع قید و شرط سیاسی، بر مبنای برابری کامل و سود متقابل باشد.

جزایر سی شل

بقیه از صفحه ۳

تمام نمایندگان پشتیبانی قاطع خود را از دولت اعلام کردند و خواستار بررسی دقیق رویدادهای چند روز اخیر و مجازات مسببین آن شدند.

پیش بسوی سوسیالیسم!

بررسی برای یافتن علل حوادث آغاز شده بود. کنگره "جبهه"، که قرار بود روز ۲۵ و ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) برگزار شود به ۹ تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) موکول شد و کنگره سندیکایی نیز عقب افتاد. رهبران "جبهه" تاکید کردند که به هیچ وجه از برنامه "جبهه" دست نخواهند کشید. آنها تاکید کردند که برای آن که این دگرگونی ها و تصمیمات غیر قابل بازگشت گردند، باید هر چه زودتر وظایفی که در بیانیه "جبهه" به نام "پیش به سوی سوسیالیسم" اعلام شده بود، با پیگیری دنبال شود. در برنامه از جمله آمده است که از این پس باید:

- ۱) جمهوری جزایر سی شل، به مثابه دولتی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی مستقل است، تحکیم شود،
- ۲) سیاست خارجی غیر متعهدی دنبال شود،
- ۳) نظام اجتماعی پیشرویی که متضمن آفرینش سطح بالاتر زندگی برای خلق باشد، پیاده شود،
- ۴) قوانین دادگستری، که بر اصول حقوق بشر و احترام به مساوات انسانها پایه گذاری شده، تحکیم شود،
- ۵) بهترین بهره برداری از منابع طبیعی و خاک کشور ضمانت شود.

علاوه بر این اصول، برنامه فوق وظایف مشخص دیگری را نیز که "بدون اجرای آنها، هر بحثی در باره بازسازی اجتماعی - اقتصادی پر حرفی بپوشی بیش نخواهد بود"، مشخص کرده است.

در رشته کشاورزی تامین ۷۵ درصد فرآورده ها، پیش بینی شده است. برای کاهش وابستگی به خارج در زمینه کشاورزی، "جبهه"

در نظر دارد قانونی بگذارد که بنا بر آن، زمین های کشت نشده را خریداری کند و به کسانی که مایلند آنرا کشت کنند، واگذار نماید. ایجاد مزارع اشتراکی دولتی و اجرای عطیات آبیاری نیز در این برنامه پیش بینی شده است.

در رشته صنعت، تلاشها در جهت توسعه کار آماده کردن نارگیل پیش می رود، زیرا این بزرگترین منبع درآمد دولتی است. این بخش پس از مکانیزه شدن، باید با تمام در اختیار دولت قرار گیرد و یا تحت کنترل آن باشد. انحصار خرید نارگیل نیز از دست بهره برداران خصوصی خارج خواهد شد و در دست دولت خواهد بود. در رشته ماهی گیری نیز، که بخش مهم دیگری از اقتصاد جزایر سی شل را تشکیل می دهد، "جبهه" توسعه آنرا در جهت منافع خلق پیش بینی کرده است. باید توجه داشت که با وجود آبهای ساحلی جزایر می پردازند، به طوری که دولت مجبور است ماهی وارد کند. تورسیم، یعنی منبع دیگر درآمد، با برداشت سه کلی متفاوتی با برداشت رژیم قبلی، تنها سهمی در درآمد کشور خواهد داشت. (نه مانند رژیم قبلی، که منبع اصلی درآمد می خورد).

بیانیه "جبهه" درباره بهداشت همگانی، بیمه اجتماعی و بیکاری نیز پیشنهادهایی در جهت بهبود زندگی مردم ارائه می دهد.

۲ سال مدت کوتاهی است

دو سال برای به اجرا گذاشتن تمام وظایف محوله، حتی در کشور کوچکی مانند جزایر سی شل، نیز زمانی فوق العاده کوتاه است. گرچه طی این ۲ سال دگرگونی هایی به عمل آمده که بطور کلی مثبت بوده، ولی تغییر طرز فکر قشرهایی از جامعه، که تا دیروز تنها در فکر ثروتمند شدن بودند، کاری است پس دشوار. هنوز کسانی هستند که آرزومند احیا سیستم غیر عادلانه پیشین هستند، ولی خلق سی شل به رهبری "جبهه" با استواری

در راه استقلال، آزادی و پیشرفت در راه رشد غیر سرمایه داری به پیش می رود.

"جبهه" از نظر تشکیلاتی تقویت می شود. کمیته مرکزی آن اهمیت زیادی به فعالیت های محلی می دهد. در حال حاضر ۷۰۰۰ عضو "جبهه" در ۲۳ تشکیلات مختلف مانند بخش، ناحیه و منطقه فعالیت می کنند. نخستین کنگره "جبهه" روزهای نهم و یازدهم آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) تشکیل شد. به این مناسبت، ارگان مرکزی "جبهه" به نام "مردم"، که انتشارش یک سال پیش از این تاریخ قطع شده بود، دوباره انتشار یافت. کنگره وفاداری خود را به برنامه و سمت گیری سوسیالیستی "جبهه" اعلام کرد و دولت را به اجرای بدون وقفه برنامه اراه شده موظف نمود. برخی تصمیمات برای بهبود رهبری "جبهه" و فعالیت های دولتی، برای بهبود سازمان های جوانان و نوجوانان، برای بهبود تبلیغات سیاسی و همچنین برای پیشرفت اقتصاد و فرهنگ گرفته شد. کمیسویی نیز برای بوجود آوردن سندیکایی خطوط تشکیل شد. کنگره همچنین خطوط اصلی سیاست خارجی "جبهه" را تایید کرد. پس از اتمام کنگره، وزیر امور خارجه اعلام کرد که: "تلاشهای پی گیری جهت نزدیکی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی، که برای خلق سی شل متحدین واقعی و مطمئن هستند، انجام می گیرد.

وی همچنین متذکر شد که کشورش از ویتنام، قمران و کامبوجیا، که برای پیروزی صلح و دموکراسی در آسیای جنوب شرقی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کند.

بمابین ترتیب، خلق سی شل، که زنجیرهای استعمار را پاره کرده است، می رود تا با قاطعیتی که در مبارزه با امپریالیسم در پیش گرفته است، آزادی و سوسیالیسم را برای همیشه در میهن خود مستقر کند.

سرود ملی "سی شل" چنین می گوید:

"مرگ به از زندگی در خواری است. ما هرگز از مبارزه دست نخواهیم کشید.

تساوی برای همه، آزادی برای همیشه."

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، ضمن تجلیل از دو تن اعضای شهید هیئت ۷ نفری، عمل جنایتکارانه گروهکهای ضد انقلابی را محکوم کرد

زمینه های مهم فعالیت ضد انقلاب بین خواهد رفت، لذا ضد انقلابیون دست به توطئه جنایتکارانه جدیدی زدند و دو تن از اعضای هیئت هفت نفری را در راه دیوان دره دستگیر و به شهادت رساندند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، ضمن محکوم کردن این جنایت ضد انقلابی و ضد انسانی، شهادت این دو تن مبارز را به تمام مردم مبارز ایران و مردم کردستان و به خصوص اعضای هیئت واگذاری زمین در کردستان تسلیت می گوید. و از تمام مردم منطقه و سایر نیروهای انقلابی می خواهد که با تمام قوا برای آزادی بقیه اعضای هیئت بگوشند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج به پیروی از مبنی اصولی خود همواره در راه اجرای اصلاحات ارضی عادلانه کوشیده، و از بدو تشکیل این هیئت، از آنان پشتیبانی قاطع نموده و همواره خواستار تشکیل این هیئت در کردستان بوده است، لذا در شرایط کنونی از مقامات جمهوری اسلامی ایران می خواهد که ضمن پیگیری در اجرای مفاد طرح واگذاری زمین و ادامه فعالیت هیئت هفت نفری در کردستان، زمینه هرگونه فعالیت ضد انقلابی را از ریشه بشکند.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان ا مرگ و نفرت بر مزدوران وابسته به بیعت عراق ا زنده باد جبهه متحد خلق!

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، طی اعلامیه ای به تاریخ ۵۹/۱۰/۱۳، ضمن تجلیل از دو تن اعضای شهید هیئت ۷ نفری، عمل جنایتکارانه گروهکهای ضد انقلابی را محکوم کرد. در اعلامیه آمده است: "یکی از نهادهای رویدادهای انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ماه، کموظیفه بسیار مهم و واگذاری زمین به دهقانان کم درآمد و خوش نشینان روستا را برعهده دارد هیئت هفت نفری است.

از بدو موجود آمدن هیئت هفت نفری واگذاری و احیای زمین آبادی - امپریالیسم، لیبرال ها و فئودال ها علیه آن به توطئه چینی پرداختند. در کردستان نیز گروهکهای ضد انقلابی کومله و گروه قاسملو، در حالی که خود با فئودال ها رابطه داشتند و به نفع آنان عمل می کردند، همواره مانده اند و وانمود کردند که آنها ضد فئودال هستند و جمهوری اسلامی ایران در جهت منافع فئودال ها عمل می کند. اما با افشگری های نیروهای مومن به انقلاب و عملکرد گروهکهای ضد انقلابی، روشن گردید که اینان در جهت منافع امپریالیسم امریکای ارتجاع عمل می کنند و اقدامات دولت جمهوری اسلامی در استان های دیگر به خوبی نشان داد که تا چه حد آن تبلیغات گروهکهای پایه بوده است.

اخیرا که هیئت واگذاری زمین در کردستان به فعالیت پرداخته، گروهک های ضد انقلابی به موحشت افتادماند، زیرا با قطع دست فئودال ها از اراضی و شیعی توسط این هیئت، یکی از



در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: برنامه دولت، توزیع عادلانه امکانات مملکت است

این مجلس صمیمانه و شکرگزارانه و مثل سابق مطمانه تابع و گوش‌فرمان تصاحب ایشان است. وی سپس در مورد حمله دکتر سعیدی به دولت گفت: «ما انتظار نداشتیم که بلافاصله پس از فرمایشی ایشان (امام) خاطر دولت را متوش کنته. پس از تذکرات رئیس مجلس، طرح اقدام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران برای شور دوم مطرح شد و پس از اظهارنظرهای موافق و مخالف به تصویب نهایی رسید. هر قسمی محمودی پیشنهاد کرد که تمام گروه‌هایی که تحت نام بسیج فعالیت می‌کنند، در بسیج ادغام شوند. وی در توضیح سخنانش گفت: «در کرمانشاه گروهی هست که بسیج تشکیل داده‌اند و ارتش هم به آنها اسلحه داده، یعنی به آقای سنجابی و ۵۰۰۰ قیسه اسلحه به ایشان داده شده و ایشان هم تمام خوانین منطقه، حتی نماینده مجلس سابق را نتوانسته کرده و به هریک ۳۰۰-۱۵۰ قیسه اسلحه داده است. پس از آن، نخست‌وزیر چند لایحه یک فوریتی به مجلس ارائه کرد. آنگاه طرحی در مورد ملی‌کردن سهام

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی بریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. در این جلسه طرح اقدام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران برای شور دوم مطرح و به تصویب نهایی رسید. در آغاز این جلسه دکتر عبدالله سعیدی، اولین ناطق پیش از دستور، ضمن سخنانی به دولت حمله کرد و آنرا به «کم‌اطلاعی از اصول صحیح مملکت‌داری» و «کم‌توانی در اداره امور مملکت» متهم ساخت. دومین ناطق پیش از دستور، عیسی عیسی، نماینده میابک بود. وی ضمن اشاره به کنفرانس سران معالک اسلامی، به تشریح دلایل عقیدت‌انگیزی کشورهای اسلامی پرداخت و در بخشی از سخنانش گفت: «چرا باید کنفرانس تشکیل شود که گردانندگان و یا اعضاء باصلاح مؤثر آن دست‌بوسان یگانگان باشند؟ کنفرانس که یک جنایتکار مزدوری چون صدام در آن شرکت کند، اسلامی است؟» ناطق در پایان سخنانش در مورد عدم تکمیل کابینه گفت: «من خواهش می‌کنم این کابینه تکمیل شود. در کجای دنیا دیده شده است که پس از گذشت چهارماه هنوز وزیر امور خارجه تعیین نشده باشد؟ من نمی‌دانم این گروه و مشکل تست چیست؟ آیا هست رئیس مجلس شورای اسلامی برای حل این مشکل اقداماتی انجام داده است؟» سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن بزرگداشت سالگرد شهادت جمعی از فدائیان اسلام، با اشاره به سخنان اخیر امام خمینی گفت: «من بعنوان مدیر مجلس قول می‌دهم که

نخست‌وزیر سپس، ضمن تأکید بر اینکه باید با پیامدهای گران‌شدن بنزین مقابله کرد، گفت: «در حال حاضر ما جدا از مصرف ارتش و جبهه‌ها، روزی ۶۶ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌کنیم که ۴ میلیون لیتر آن توسط ۴۰ هزار تاکسی و ۱۳۰ هزار وانت‌تار به نرخ ۱۶ ریال و بقیه آن به نرخ ۴۰ ریال، توسط رانندگان شخصی مصرف می‌شود. نخست‌وزیر در قسمت دیگری از سخنان خود به کمبود روغن و مواد سوختی اشاره کرد و گفت: «تولید این محصولات به خاطر جنگ متوقف شده و ما مجبور به وارد کردن آنها شده‌ایم. این امر برای ما استکالاتی بوجود آورده است. آقای رجایی سپس از طرح جیره‌بندی کالاها دفاع کرد و آن را انقلابی خواند و گفت: «ما اگر بتوانیم سهمیه‌بندی را بطور کامل اجرا کنیم، خواهیم توانست هشت محکم‌برده‌ها را صدام بزنیم.» نخست‌وزیر در پایان سخنان خود اظهار امیدواری کرد که پایبندی مردم به انقلاب باعث تحمل سختیها شود. جلسه بعدی مجلس ساعت ۸ صبح امروز تشکیل می‌شود.

اشخاص خارجی در ایران، که توسط عده‌ای از نمایندگان تهیه شده بود، مطرح گردید، که بعطت نقص قانونی، برای تکمیل طرح، مجدداً به آنان ارجاع شد. سپس نخست‌وزیر به‌مشوأل فضل‌الله صلواتی در مورد دلایل گران‌شدن بنزین و جیره‌بندی مواد غذایی و کمبود وسائل کشاورزی پاسخ داد. وی از جمله گفت: «در مورد قیمت اجناس دولت اصرار زیاد دارد که اجناس تحت‌اختیار دولت به‌وجه گران نشود و برنامه دولت این است که امکانات مملکت را بطور عادلانه توزیع کند.» آقای محمدرضا رجایی سپس، ضمن اشاره به اینکه ۳۰ ریال (قیمت کنونی بنزین) برابر با قیمت تمام شده بنزین است، گفت: «روستاییان ما و قسمتی از شهرتینان‌ماشین ندارند. رانندگان تاکسی هم که به همان قیمت سابق بنزین می‌گیرند، قیمت گازوئیل هم فرقی نکرده. ما می‌گوئیم که در کشور یک اقلیتی وجود دارد که ماشین دارند. اینها قیلاً قسمتی از پول بنزین خود را از بیت‌المال می‌گرفتن. حالانکه باید بگیرند. علاوه بر این جنگ محدودیت مصرف بوجود آورده است.»

در حاشیه ...

حمله بدولت یا دفاع از دولت؟!

دکتر سعیدی، در عین حمله شدید بدولت، متذکر شد که: «ما نباید باعث تصعیف دولت شویم.» این امر باعث خنده نمایندگان شد.

پیام تسلیت ...

در تاریخ ۱۶ دی ماه ۵۹، صفحه ۱۰۰ اخبار دیگری از حماسه آفرینی سپاهیان پاسدار انقلاب و دانشجویان مسلمان بی‌روخط امام ورق خورد. در این روز شهادت بیش از ۶۰ تن از این فرزندان جان‌پر کف انقلاب در نبرد گاه هویزه، به‌راه شهادت سربازان دلاور نیروهای مسلح ما در خطوط مقدم جبهه، عزم راسخ مسردم مستدیده ما را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بنحو پارتیزان داد. سوگ این از جان‌گذشتگان و سایر شهدای قهرمان صحنه‌های نبرد، در عین حال یا ایمان به پیروزی پر باند جنایتکار صدام، برای اعضاء و هواداران حزب ما و همه زحمتکش‌ان‌فادار به انقلاب توام بود. حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان شهادت این جانبازان مبین انقلابی‌مان را به همه مردم زنجیریده خوزستان، به همه پرادران سپاه پاسداران

چرا حقایق را ...

آقای مهندس سعیدی، که بخوبی از حقایق اطلاع دارد و میداند که حزب توده ایران نه تنها به مقتدات مذهبی مردم و روحانیت مبارز «ها» نیست، بلکه نهایتاً احترام‌پر برای آن‌ها قائل بود و هست و میکوشید و میکوشد که نیروهای انقلابی، از جمله روحانیت مبارز را در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و دربار متحجسانه، آقای مهندس سعیدی که بخوبی میداند، آن کسانی به نام حزب توده ایران به روحانیت مبارز و مذهب توهین میکردند که تنها قصد بدنام کردن حزب توده ایران و ایجاد تفرقه میان صفوف مردم را داشتند و خود یا تمام قوا در قدارک توطئه‌های خطرناک علیه جنبش انقلابی ایران بودند، چرا حقایق را واژگونه جلوه میدهند؟ آیا این عمل با «اخلاق اسلامی» انطباق دارد؟

خطری که ...

بقیه از صفحه ۱
صدمات جدی مواجه سازد. اقرارید حمید جرایبی در محضر دادگاه انقلاب گام‌روشن ساخت که سازمان جاسوسی «سیا» از فرصت اقامت او در آمریکا استفاده کرده، با اربوبند برقرار ساخته و او تصد سیرده است که در ایران نیز، این بیوند را همچنان حفظ نماید و برای سازمان جاسوسی آمریکا، جاسوسی کند. آیا نمونه حمید جرایبی منحصر به فرد است؟ نباید حداقل این «گمان» را محتمل دانست که حمید جرایبی یکی نیست، بلکه ده‌هاست و از میان صد هزار دانشجوی ایرانی مقیم آمریکا در دوران طاغوت، با احتمال زیاد عده‌ای از آنان مورد توجه «سیا» قرار گرفته، با آنان تماس برقرار شده و برای جاسوسی به ایران فرستاده شده‌اند و یا فرستاده خواهند شد؟ این «احتمال» نباید چشم و گوش مقامات مسئول را بگشاید، تا حداقل در گزینش مقامات بالائی نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها و نهادها حد‌اعلای هشجاری را نشان دهند؛ نباید نمونه‌هایی نظیر امیرانتظام، تزیه، مقدم مراغه‌ای، علوی، نیک‌خلق، مهدیون سو محقق ما را بیدار کند که دشمن به‌شیوه‌ای ظریف و نامرئی سپهرهای خود را پیش میراند، تا در لحظه مناسب، انقلاب را «کیش و مات» کند؛ نباید عمل‌کرد تا این لحظه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و ایادی داخلی آن در این زمینه، برای آینده هشدار بیاشد و زنگ خطری که به صد بار آمده، ما را متوجه توطئه‌هایی کند که امپریالیسم آمریکایی‌پوساندن و فلج کردن انقلاب ما از درون، طرح‌ریخته است؛ اگر روزی که استاد جاسوسی امیرانتظام از جاسوسخانه بدست آمد، این مسئله از سوی مقامات قضائی انقلاب پیگیری شده بود، چه‌بسا به‌ریشه‌هایی دست یافته بودیم که منظره عمل‌کرد امپریالیسم آمریکا را در این عرصه روشن‌تر در برابر دیدگان ما قرار میداد و حمید جرایبی‌ها مدت‌پیش‌تر کنار

و محاکمه میشدند و یکسال دیگر فرصت جاسوسی و تبهکاری و خیانت به وطن و انقلاب نمی‌یافتند. این تصاحب باید حداقل برای امروزان درس عبرت و آموزنده باشد. باید بدون تزلزل و تردید و تاخیر هیئت‌هایی با اختیارات کافی مأمور بررسی سوابق کلیه کسانی شوند، که در مقامات بالائی نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، ادارات و نهادهای انقلابی انجام وظیفه میکنند. باید با دقت رسواسمانند، به‌بیشیم و بسنجیم که ایشان که بوده‌اند؟ از کجا آمده‌اند؟ و در گذشته چه کرده‌اند؟ نباید به‌بهره‌رژها و به‌دینداری، عضویت در انجمن‌های اسلامی خارج از کشور و انقلابی‌نمائی و دوستی و آشنائی با این یا آن عنصر مبارز و ضد طاغوت، ملاک و معیار قضاوت قرار گیرد، زیرا این دیگر از اصول بدیهی است که یک سازمان جاسوسی نظیر «سیا»، که مسلط بر انواع حیل‌ها و ترفندهاست، خود را از قبل، برای کلیه اشکال تحولات سیاسی در ایران آماده کرده و سپهرهای خود را به‌ر لباسی درآورده و با هر مکتب سیاسی آشنا ساخته است، تا در همه حال بتواند خویشتن را با شرایط حاکم وفق دهد. اکنون باید امیرانتظام‌های دیگر، تزیه‌ها و مقدم‌راغه‌ای‌های دیگر و حمید جرایبی‌های دیگر را با هشجاری در صفوف انقلاب، دید و شناخت و آنانرا از صف بیرون کشید، وگرنه باز مدتی خواهد گذشت و تازه متوجه خواهیم شد که در مقام دیگر یا نام دیگر، جاسوسی دیگر سرگرم تحویل اطلاعات به امپریالیسم سازمان‌های جاسوسی امپریالیسم است و مادر خواب غفلت بوده‌ایم. نه تنها باید مساعی مقامات قضائی انقلاب مصروف به شناسائی این مفسدان و خائنان باشد، بلکه مهتر از آن باید آن دست‌پای نامرئی را شناسائی کنند که فردان ترقی‌یاب این جاسوسان بوده‌اند، زیرا تا آن دست‌پا در کارند و عمل میکنند، امیرانتظام‌ها، نیک‌خلق‌ها و حمید جرایبی‌ها همیشه وجود خواهند داشت. ریشه خطرا باید شناخت و روبرو خواهد ساخت.

جنگ میان ...

بقیه از صفحه ۱
در پاسخ، دلاوران زنده ارتش اسلام موفق شدند ۴ دستگاه فانگ، ۳ عراده توپ، یک انبار مهمات، ۲ قیسه خمپاره‌انداز، یک دستگاه خودرو و ۲ سنگر دشمن را منهدم و حدود ۶۰ نفر از افراد ارتش عراق را کشته و زخمی کنند. در این جبهه‌ها یک نفر از پرسنل ارتش اسلام شهید و ۹ نفر مجروح شدند. ۵- در مناطق عین‌خوش، کرخه‌کور و شوش، نبرد بین زرمندگان دایر ارتش اسلام و نیروهای متجاوز عراق ادامه داشته است، که در نتیجه یک دستگاه خودرو حامل نفرات و

یک دستگاه تانکر سوخت دشمن منهدم شده است. در منطقه ده‌لران دلاوران ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران یک دستگاه آمبولانس مجهز به بیمارستان سیار و یک دستگاه تانکر سوخت دشمن را بنهیمت گرفتند. ۶- نیروهای متجاوز عراقی روز گذشته شهرستان گیلانغرب را با تویخانه زیر آتش قرار دادند و خساراتی بی‌باز آوردند. جانبازان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز مناطق المام، المارصام، سیحان و کوت‌الزین عراق را زیر آتش دشمن‌سوز خود قرار دادند و تلفات و خسارات بسیاری بر دشمنان اسلام وارد کردند.

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای گذشته در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقاً توصیه میشود:
• گفتگوی سازمان مجاهدین خلق ایران (شماره ۴۲۰)
• درباره تناسب نیروها در عرصه جهانی (شماره ۴۲۱)

ضد انقلاب هنوز در مدارس فعال است

ضدانقلاب، هنوز امید ایجاد آشوب در مدارس را از دست نداده است. با آنکه توطئه به تعطیل کشاندن مدارس، هربار با شکست مواجه شده، ولی ادامه ناآرامی در برخی از مدارس کشور، نشان میدهد که توطئهگران از اجرای نقشه‌های پلید خویش، کاملاً دست‌نسته‌اند. دعوت گروهکهای آمریکائی «رنجبر» و «بیکار» و «روزندگان» و «راه کارگر» از دانش‌آموزان انقلابی برای شرکت در تظاهرات روز ۲۳ دی، بمنظور ایجاد آشوب و در درگیری، هم در سطح جامعه و هم در مراکز آموزشی، پرهان دیگری است که امپریالیسم آمریکا و کارگزاران ضدانقلابی آن، محیط مدارس را کانون مناسبی برای دسیسه‌های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تشخیص داده‌اند.

دشمن، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دریافته است که با به آشوب کشاندن مدارس و تعطیل آنها، میتواند جو افتخاش را به سراسر جامعه تشری دهد. هم‌اکنون ۹ میلیون دانش‌آموز دختر و پسر در دبستانها و دبیرستانهای کشور، به تحصیل اشتغال دارند. ایجاد فضای هرج و مرج و درگیری در مدارس، میتواند جو نارضایتی را به خانواده‌های سراسر کشور و از آنجا به سراسر عرصه‌های کار و فعالیت اجتماعی، که پدران و مادران و خوشاوندان در آن شاعند، سرایت دهد. بدینجهت است که می‌بینیم امپریالیسم آمریکا، مدارس را یکرازی مهمترین مراکز فعالیت ضدانقلابی خود قرار داده است.

خوشبختانه پیام‌های صائب امام خمینی در لحظات خطیر و حساس، و هشیاری اکثریت مطلق پدران و مادران و دانش‌آموزان و اولیاء مدارس، تاکنون توانسته است، ایسن نقشه امپریالیسم آمریکا را عقیم گذارد، اما ادامه

توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب ایران، که یکی از زمینه‌سازیهایی آن باید در مدارس صورت گیرد، مانع از آن شده که جو آرامش در مدارس سراسر کشور غالب گردد.

دانش‌آموزان انقلابی دبیرستان دخترانه یاسداران (خوارزمی سابق) در نامه شکوایتی خود به روزنامه جمهوری اسلامی (۲۱ دی ۵۹) از فعالیت ضدانقلاب در مدرسه پرده برداشته‌اند که «قوانین و مقررات مدرسه را زیر پا نهاده» و «محیط مدرسه را به میدانی برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده‌است».

دانش‌آموزان بدرستی نوشته‌اند: «این نمونه‌ها بخشی از یک توطئه عظیم است که علیه نظام جمهوری اسلامی طرح‌ریزی شده است و امروز این توطئه گریباتگیر مدارس شده است».

نمونه دیگر، تظاهرات مداوم اعضاء يك گروه سیاسی در برابری یا آن مدرسه‌است، تا مانع از درس خواندن دانش‌آموزان شوند و آنانرا به بیوسستن بخود تشویق کنند. توده‌مین گروه از تظاهرکنندگان است که مادر یکی از دانش‌آموزان، کیف حامل چاقو و پنجه یکس یافته است!

در ایجاد ناآرامی‌ها، افراد طاغوتی، ساواکی، مبلغان و مروجان کیش «آریامهری» در نظام پیشین، که بحق در دوران انقلاب بسیاری از آنها از محیط‌های آموزشی پاکسازی شدند یا متاسفانه برخی از آنها هنوز پست‌های خود را حفظ کرده‌اند، نقش اساسی ایفا میکنند. آنها هستند که برخی از دانش‌آموزان ناآگاه را به گروه‌گرایی تشویق میکنند و رو در روی سایر دانش‌آموزان و اولیاء مدارس قرار می‌دهند؛ آنها هستند که از کمبوه‌ها و نقاشی، که بخش اعظم آن همزاد و همراه هر انقلابی است، پرچم درست میکنند و به ضدیت با نظام جمهوری اسلامی برمیخیزند؛ آنها هستند که میان نهادهای انقلابی در مدارس ایجاد اختلاف میکنند و آنها را در برابر هم قرار میدهند، تا پیشرفت کارها را ترمز کنند، و از اینسبه نابسامانی که خود ایجاد کرده‌اند، به زبان جمهوری اسلامی بهره‌برداری کنند.

یکی از عوامل مهم اعاده آرامش به مدارس، پاکسازی براساس معیارها و ضوابط انقلابی است. باید با بازیابی فوری و دقیق، پیشینه کلیه عناصر ساواکی، مشکوکومظنون، که با ریاکاری و تظاهر به ویننداری، توانسته‌اند بر سر پست‌های خود بمانند، محیط آموزشی را از لوث وجود این افراد، تطهیر کرد، تا دستهای ضدانقلاب نتواند در میان کودکان و

نوجوانان معسوم ما، قته انگیزد. آن گروه از مبلغان، دبیران و کارکنان مومن به انقلاب، که فدای غرض‌ورزیها و پیش‌دواری‌ها شده و به گفته آقای دکتر باهنر وزیر آموزش و پرورش، بی‌جهت پاکسازی شده‌اند، باید به خدمت بازگردند، تا ایمان‌شان به انقلاب، چراغ راه کودکان و نوجوانان ما قرار گیرد و این ارواح پاک را از لزش بازدارد و ثمره کارشان در تحکیم و تثبیت انقلاب موثر افتد.

در عین حال باید کوشید که آن قسمت از نقاشی و کمبوه‌ها، که در شرایط مشخصی، کنونی، علیرغم دشواریهای ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی کشور، اجتناب‌پذیر است، به سرعت رفع شود و بیهانه‌بمست ضدانقلاب‌دهنده، میتوان تمام عناصر انقلابی صالح را، چه در میان پاکسازی‌شدگان، چه در بین آوارگان جنگ و چه در صف دانشجویان و استادان و کارکنان موسسات آموزش عالی، به خدمت گرفت و با استفاده از نیروی کار و خلاقیت آنان در تهیه کتابهای درسی، در کرسی آموزش، در برنامه‌ریزی‌ها و غیره، بخشی از کمبوه‌ها را جبران کرد.

باید تدبیر و درایت انقلابی کارکنان مدارس، موجب ایجاد هماهنگی میان نهادهای محیط آموزشی شود و بجای آنکه انجمن‌های دانش‌آموزی، امور تربیتی و انجمن خانه و مدرسه در برابر هم قرارگیرند، دستدر دست هم برای رفع نارسائیه‌ها و تسریع در پیشبرد امور تلاش ورزند.

تنها از این راه است که میتوان فعالیت ضدانقلاب را در مدارس عقیم گذارد و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را درهم شکست.

پیشرفت‌های خلق کامپوچیا در زمینه بهداشتی

وزیر بهداشتی کامپوچیا گفت: خلق کامپوچیا در سال‌های سرنگونی داروسته خون‌آشام پلوت - ینگساری در زمینه بهداشتی پیروزیهای چشمگیری به دست آورده است. وی گفت: در رژیم چائیکار پلوت-ینگساری علاوه بر اینکه سه میلیون تن قتل‌عام شدند، میلیونها تن بر اثر شکنجه و فشار طاقت‌فرسا در وضعیت جسمانی اسفنازی بسر می‌زدند و بیمارستانها و کلینیکها نابود شده بود. وزیر بهداشتی کامپوچیا اضافه کرد: بعد از پیروزی انقلاب در ژانویه ۱۹۷۹، همه چیز از ابتدا شروع شد. در سال اول سه بیمارستان در پنومپن و ۱۸ بیمارستان در استانهای دیگر ایجاد شد. این پیروزی در اثر کمکهای بی‌شائبه پزشکان و کارشناسان ویتنامی و دیگر کشورهای سوسیالیستی امکان‌پذیر شد. در سال ۱۹۸۰ نیز ۸ بیمارستان جدید در پنومپن و صد بیمارستان و کلینیک در ایالات دیگر ایجاد شد.

وزیر بهداشتی کامپوچیا گفت: تمام کشورهای سوسیالیستی بویژه ویتنام و اتحاد شوروی، کمکهای بهداشتی بسیار ارزانی در اختیار خلق کامپوچیا قرار داده‌اند.

کنگره ملی آفریقا، از پیشنهاد صلح لئونید برژنف حمایت کرد

کنگره ملی آفریقا (سازمان مبارز آفریقای جنوبی) از پیشنهاد لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، برای صلح و امنیت در خلیج فارس حمایت کرد. دبیرکل کنگره ملی آفریقا اعلام کرد: «امپریالیسم آمریکا با هیاو و جنجال‌دزبانه خطرناک شوروی، تلاش دارد افزایش حضور نظامی خود را در منطقه، توجیه کند» وی اضافه کرد: «اما هدف واقعی امپریالیسم آمریکا، از حضور در منطقه، سرکوب جنبش رهاییبخش در آفریقا و نیز در خلیج فارس است».

امریکایونانرا به انبار اتمی ناتو تبدیل کرده است

بدر یرتقال، آلمانفری و ایتالیا انبار شده است. انبار شدن این سلاحها در یونان امنیت مردم این کشور را جدا در معرض خطر قرار داده است. وی یادآور شد امریکا نه تنها می‌خواهد حضور نظامی خود را در یونان دائمی کند بلکه در عین حال قصد دارد از سلاحهای انباشته آندره آمریکا باندرو، رهبر حزب سوسیالیست یان‌هلنیک یونان اعلام کرد: هیئت حاکمه کشور، مسئله استقرار سلاحهای هسته‌ای آمریکا در یونان را از مردم پنهان می‌کند. یان‌اندرو گفت: سلاحهای هسته‌ای امریکاهمچنین در چند کشور دیگر ناتو از جمله

شده در یونان در ماجراجوییهای فراتر از چارچوب پیمان نظامی ناتو استفاده کند. یان‌اندرو اضافه کرد: امریکا موشکهای ویژه حمل سلاحهای اتمی نیز در یونان مستقر کرده است. وی گفت تمام این مسائل باید نزد مردم اقیانوس شود.

چین در پاکستان پایگاه دریایی ایجاد می کند

خبرگزاری پرمتر است آری- ایندیا، اعلام کرد که در ماههای اخیر ملاقاتهای هیئت‌های نظامی چینی و پاکستانی از کشورهای یکدیگر افزایش یافته است. این امر نشان‌دهنده گسترش همکاری-

های نظامی پکن با رژیم دست‌نشانده ضیاعالحق است. در پی دیدار یک هیئت نظامی چینی به ریاست کفیل فرمانده نیروی دریایی چین از پاکستان، یک هیئت نظامی پاکستانی بریاست

ژنرال بازنشسته رحیم خان از یکن دیدن کرده است. مذاکرات در پکن و کراچی این حصص را قوت بخشیده است که چین یک پایگاه دریایی در نزدیکی کراچی ایجاد می‌کند.



با پایان یافتن ششمین برنامه پنجساله: خلق مغولستان گام مهمی در راه گسترش پایه مادی و فنی سوسیالیسم برداشت

پایان یافتن موفقیت‌آمیز ششمین برنامه پنجساله عمرانی جمهوری توده‌ای مغولستان، گام مهمی در راه گسترش پایه مادی و فنی سوسیالیسم و ارتقاء سطح فرهنگ مردم این کشور به شمار میرود. در جریان این برنامه، درآمد ملی کشور ۳۰۹ درصد و محصول ناخالص اجتماعی، ۳۴۷ درصد افزایش یافت. ۷۰ درصد افزایش خاص درآمد ملی، ناشی از افزایش بهره‌وری کار بوده است. حجم سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی به ۱۵ میلیارد «توگرگس» (واحد پول مغولستان) و یا ۴۵۰۰۰ میلیون دلار رسید.

تقت صنعت سوسیالیستی در اقتصاد همواره در حال افزایش است. تولید صنعتی در این مدت، ۱۵ برابر نسبت به دوره پنجساله پیشین افزایش یافته است. صنایع سوخت، برق، معدن، صنایع سبک و ساختمانی بسرعت توسعه یافته است. تولید سوسیالیستی اکنون ۷۶ درصد کل تولیدات در صنعت و کشاورزی را شامل می‌شود. دهها بنگاه صنعتی، که برای اقتصاد ملی اهمیت اساسی دارد، با کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ساخته شد و علیرغم شرایط نامساعد جوی، تولیدات کشاورزی، به طور متوسط، سالانه ۶۳ درصد افزایش یافت. شمار زیادی تراکتور و دیگر ماشین‌آلات کشاورزی نیز در اختیار کشاورزان قرار گرفت. اکنون در جمهوری توده‌ای مغولستان، در پایان ششمین برنامه پنجساله، درآمد واقعی کارگران و کارمندان ۵ درصد، افزایش یافته است.

با حمایت آمریکا و چین تایلند مداخله مسلحانه خود علیه کامپوچیا را افزایش می‌دهد

مخالف حاکمه تایلند، در روزهای اخیر تحریکات خود را علیه انقلاب کامپوچیا، افزایش داده‌اند. به گزارش خبرگزاری کامپوچیا، در یک هفته اخیر نیروهای تایلندی به بیش از صد تحریک مسلحانه در مرز کامپوچیا دست زده‌اند. ناظران سیاسی در منطقه عقیده دارند، افزایش تحریکات رژیم دست‌نشانده تایلند علیه کامپوچیا با دوستی و «دشمنی» روزافزون امپریالیسم آمریکا و برتری‌طلبان پکن ارتباط کاملی دارد. در واقع سال پیش، مقامهای آمریکایی در مذاکرات خود با رهبران پکن در مورد تشدید فعالیت خرابکارانه علیه انقلاب کامپوچیا، به توافق کامل رسیدند.

نومه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دقت نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست)

NAMEH MARDOM
No. 423
19 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM.
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق